

بسمه تعالی

دوره ضرورتی آیین

دادرسی کیفری

دکتر زهرا داستان

تابستان ۱۴۰۴

تعریف آیین دادرسی کیفری

ماده ۱- آیین دادرسی کیفری مجموعه مقررات و قواعدی است که برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجیگری، صلح میان طرفین، نحوه رسیدگی، صدور رأی، طرق اعتراض به آراء، اجرای آراء، تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم، بزه‌دیده و جامعه وضع می‌شود.

اجزای تعریف آیین دادرسی کیفری:

۱- مرحله کشف جرم = دادسرا

۲- مرحله تعقیب متهم = دادسرا

۳- تحقیقات مقدماتی = اصولاً دادسرا و استثنائاً دادگاه

۴- میانجیگری، صلح میان طرفین

۵- رسیدگی، صدور رأی، اعتراض به آراء = دادگاه بدوی و تجدیدنظر

۶- اجرای احکام = دادسرا

۷- تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی و ضابطان دادگستری

ویژگیهای دادرسی عادلانه:

- ۱- قانونی بودن دادرسی کیفری و تضمین حقوق طرفین دعوا و اصل تساوی افراد در دادرسی کیفری
- ۲- اصل بی طرفی و استقلال مراجع قضایی و سریع بودن فرایند دادرسی کیفری
- ۳- رعایت اصل برائت
- ۴- حق متهم بر آگاهی یافتن از موضوع و دلائل اتهام و حق متهم در داشتن وکیل
- ۵- حفظ حقوق شهروندی

□ دو حیثیت جرم

الف. حیثیت عمومی

ب. حیثیت خصوصی

□ اقسام دعاوی در آیین دادرسی کیفری

الف. دعاوی عمومی

ب. دعاوی خصوصی

❑ ضرر و زیان قابل مطالبه در امور کیفری:

۱. ضرر و زیان های مادی
۲. ضرر و زیان های معنوی
۳. منافع ممکن الحصول

*عدم شمول خسارت معنوی و مقررات مربوط
به منافع ممکن الحصول در جرایم موجب تعزیر
منصوص شرعی و دیه

مهلت مطالبه ضرروزیان ناشی از جرم و تشریفات آن:
✓ تقدیم دادخواست تا قبل از اعلام ختم دادرسی
✓ پرداخت هزینه دادرسی

مواد مرتبط:

❖ مهلت دادخواست ضرر و زیان در کیفرخواست شفاهی
(م ۸۶)

❖ تشریفات مطالبه ضرر و زیان برای نیروهای مسلح
(م ۵۷۵)

✓ تست

تقديم دادخواست و پرداخت هزينه دادرسي (تشریفات دادرسي مدني) برای مطالبه خسارت در سه جرم تصرف عدواني، تخریب عمدی و خیانت در امانت به ترتیب چگونه است؟

(۱) نیازی نیست - نیازی نیست - لازم است.

(۲) لازم است - لازم است. نیازی نیست

(۳) نیازی نیست - نیازی نیست - نیازی نیست

(۴) لازم است - نیازی نیست - لازم است

✓ حق انتخاب طبق ماده ۱۶:

۱. طرح دعوای ضرر و زیان ابتداء در دادگاه حقوقی

۲. طرح دعوای ضرر و زیان ابتداء در دادگاه کیفری
به همراه جنبه کیفری جرم

□ تکالیف دادگاه در رسیدگی به جنبه خصوصی جرم

□ تکلیف در رسیدگی به ضرر و زیان مدعی خصوصی ضمن صدور رای کیفری

□ لازم الاتباع بودن رای قطعی کیفری موثر در ماهیت امر حقوقی برای دادگاه حقوقی رسیدگی کننده به ضرر و زیان ناشی از جرم

□ تکلیف در تعیین حدود مسئولیت محکومین در موارد حکم به رد مال یا مثل یا قیمت مال

□ تکلیف در رسیدگی و صدور رای به دعوای خصوصی حتی در صورت سقوط دعوای عمومی به شرط طرح دعوای خصوصی در دادگاه

قرار اناطه کیفری

۱. صدور قرار اناطه در مواردی که احراز مجرمیت متهم منوط به اثبات مسائلی باشد که رسیدگی به آنها در صلاحیت مرجع کیفری نیست، و در صلاحیت دادگاه حقوقی است؛
۲. تعلیق موقت رسیدگی کیفری با صدور قرار اناطه، تا هنگام صدور رأی قطعی از مرجع صالح؛
۳. تکلیف ذی‌نفع در ارائه گواهی طرح دعوای حقوقی ظرف یک‌ماه از تاریخ ابلاغ قرار اناطه به مرجع کیفری
۴. تکلیف دادستان در اظهار نظر نسبت به قرار اناطه بازپرس
۵. عدم محاسبه مرور زمان در مدت صدور قرار اناطه

انواع دادسرا:

- ۱- دادسرای دیوان عالی کشور (به ریاست دادستان کل کشور در تهران)
- ۲- دادسرای عمومی و انقلاب (به ریاست دادستان)
- ۳- دادسرای نظامی
- ۴- دادسرای نوجوانان

✓ وظایف دادستان کل کشور به عنوان رییس دادرای دیوان عالی کشور:

(۱) نظارت و ریاست اداری بر کلیه دادرها و اعلام تخلف یا جرم قضات یا کارکنان دادر

(۲) پیشنهاد انتصاب، جابه‌جایی و تغییر شغل و محل خدمت مقامات قضایی دادرها

(۳) پیگیری و نظارت در خصوص طرح دعوا راجع به اموال، منافع و مصالح ملی و خسارت وارده به حقوق عمومی

(۴) انجام تحقیقات مقدماتی جرائمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دیوان عالی کشور

(۵) رفع ممنوع الخروجی اشخاصی که مدت ممنوعیت خروج آنها تمام شده باشد.

(۶) اعاده دادرسی خاص به احکام خلاف بین شرع یا قانون در موارد حقوق عامه و دعاوی راجع به دولت، امور

خیریه و اوقاف عامه و امور محجورین و غائب مفقودالاثر بی سرپرست

(۷) حضور در جلسات شعب دیوان عالی کشور در هنگام رسیدگی فرجامی

(۸) حضور در هیأت عمومی دیوان عالی کشور برای صدور رای وحدت رویه

(۹) تقاضای اعاده دادرسی

(۱۰) پیشنهاد احاله به منظور حفظ نظم و امنیت عمومی

(۱۱) تقاضای انتشار جریان پرونده

✓ تست

به ترتیب پیشنهاد و موافقت چه مقاماتی برای تغییر سمت و محل خدمت قضات سازمان قضایی نیروهای مسلح لازم است؟

(۱) با پیشنهاد دادستان کل کشور و پس از کسب نظر موافق از رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح

(۲) با پیشنهاد رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح و به تشخیص رئیس قوه قضاییه

(۳) با پیشنهاد دادستان کل کشور و موافقت رئیس قوه قضاییه

(۴) با پیشنهاد رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح و موافقت دادستان نظامی نیروهای مسلح

❖ دقت در خصوص انتصاب و جابجایی قضات سازمان قضایی نیروهای مسلح

ماده ۵۷۳ - رئیس سازمان قضائی علاوه بر ریاست اداری و نظارت بر کلیه سازمان‌های قضائی استانها، ریاست شعبه اول دادگاه تجدیدنظر نظامی استان تهران را نیز برعهده دارد و می‌تواند یک نفر قائم مقام و به تعداد لازم معاون داشته باشد.

تبصره - ایجاد تشکیلات قضائی و اداری در سازمان قضائی و انتصاب قضات سازمان همچنین تغییر سمت یا محل خدمت آنان با رعایت اصل یکصد و شصت و چهارم (۱۶۴) قانون اساسی به تشخیص رئیس قوه قضائیه است. رئیس سازمان قضائی می‌تواند پیشنهادهای خود را در موارد مزبور به رئیس قوه قضائیه ارائه نماید.

□ دادسرای عمومی و انقلاب و حدود صلاحیت آن

ماده ۲۲- به منظور کشف جرم، تعقیب متهم، انجام تحقیقات، حفظ حقوق عمومی و اقامه دعوای لازم در این مورد، اجرای احکام کیفری، انجام امور حسبی و سایر وظایف قانونی، در حوزه قضایی هر شهرستان و در معیت دادگاه‌های آن حوزه، دادسرای عمومی و انقلاب و همچنین در معیت دادگاه‌های نظامی استان، دادسرای نظامی تشکیل می‌شود.

۱. ریاست دادسرا: بر عهده دادستان

۲. در حوزه قضایی بخش: وظایف دادستان بر عهده رئیس حوزه قضایی و در غیاب وی بر عهده دادرس علی‌البدل دادگاه است.

□ تشکیل دادسرای تخصصی:

۱. به تشخیص رئیس قوه قضاییه

۲. زیر نظر دادسرای شهرستان

❑ ماده ۲۶- انجام وظایف دادسرا در مورد جرایمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاهی غیر از دادگاه محل وقوع جرم است (مثل ارتکاب جرم توسط مقامات ماده ۳۰۷)، به عهده دادسرای است که در معیت دادگاه صالح انجام وظیفه می کند مگر آنکه قانون به نحو دیگری مقرر نماید. (بسیار مهم)

❑ ماده ۴۰۱- در مواردی که به جرایم موضوع صلاحیت دادگاه کیفری یک در خارج از حوزه قضایی محل وقوع جرم رسیدگی می شود، تمام وظایف و اختیارات دادسرا، از جمله شرکت در جلسه محاکمه و دفاع از کیفرخواست بر عهده دادسرای محل وقوع جرم است.

✓ تست

یک استاندار در آبادیه در یک درگیری و نزاع مرتکب جنایت عمدی علیه تمامیت جسمانی (مستوجب قصاص) با میزان بیش از نصف دیه کامل شده است در این حالت به ترتیب انجام وظایف دادسرا بر عهده کدام دادسرا و رسیدگی بر عهده کدام دادگاه خواهد بود؟

(۱) تهران-تهران

(۲) محل وقوع جرم- تهران

(۳) مرکز استان محل وقوع جرم - مرکز استان محل وقوع جرم

(۴) محل وقوع جرم- مرکز استان محل وقوع جرم

✓ تست

یکی از مشاوران وزیران، در جیرفت مرتکب جرم تعزیری درجه ۴ شده است در این حالت تحقیقات مقدماتی در کدام دادسرا و رسیدگی در صلاحیت کدام دادگاه است؟

- (۱) تحقیقات مقدماتی در دادسرای کرمان - رسیدگی در دادگاه تهران
- (۲) تحقیقات مقدماتی در دادسرای کرمان - رسیدگی در دادگاه کرمان
- (۳) تحقیقات مقدماتی در دادسرای تهران - رسیدگی در دادگاه تهران
- (۴) تحقیقات مقدماتی در دادسرای جیرفت - رسیدگی در دادگاه کرمان

ماده ۳۰۷- رسیدگی به اتهامات رؤسای قوای سه گانه و معاونان و مشاوران آنان، رییس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، اعضای شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و خبرگان رهبری، وزیران و معاونان وزیران، دارندگان پایه قضایی، رییس و دادستان دیوان محاسبات، سفیران، **استانداران**، فرمانداران مراکز استان و جرایم عمومی افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر و یا دارای درجه سرتیپ دومی شاغل در محل های سرلشکری و یا فرماندهی تیپ مستقل، مدیران کل اطلاعات استانیها، حسب مورد، در صلاحیت **دادگاه های کیفری تهران** است، مگر آنکه رسیدگی به این جرایم به موجب قوانین خاص در صلاحیت مراجع دیگری باشد.

ماده ۳۰۸- رسیدگی به اتهامات **مشاوران وزیران**، بالاترین مقام سازمان ها، شرکتها و مؤسسه های دولتی و نهادها و مؤسسه های عمومی غیردولتی، مدیران کل، فرمانداران، مدیران مؤسسه ها، سازمان ها، ادارات دولتی و نهادها و مؤسسه های عمومی غیردولتی استان ها و شهرستان ها، رؤسای دانشگاهها و مراکز آموزش عالی، شهرداران مراکز شهرستان ها و بخشداران، حسب مورد، در صلاحیت **دادگاه های کیفری مرکز استان محل وقوع جرم** است، مگر آنکه رسیدگی به این اتهامات به موجب قوانین خاص در صلاحیت مراجع دیگری باشد.

جهات قانونی شروع به تعقیب

- الف - شکایت شاکی یا مدعی خصوصی
- ب - اعلام و اخبار ضابطان دادگستری، مقامات رسمی یا اشخاص موثق و مطمئن
- پ - وقوع جرم مشهود، در برابر دادستان یا بازپرس
- ت - اظهار و اقرار متهم
- ث - اطلاع دادستان از وقوع جرم به طرق قانونی دیگر

اعلام و اخبار ضابطان دادگستری (ماده ۲۸ تا ۶۳)

الف - ضابطان عام شامل فرماندهان، افسران و درجه داران نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که آموزش مربوط را دیده باشند.

ب - ضابطان خاص شامل مقامات و مأمورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محول شده ضابط دادگستری محسوب می شوند؛ از قبیل رؤسا، معاونان و مأموران زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان، مأموران وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه و مأموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. همچنین سایر نیروهای مسلح در مواردی که به موجب قانون تمام یا برخی از وظایف ضابطان به آنان محول شود، ضابط محسوب می شوند.

تبصره - کارکنان وظیفه، ضابط دادگستری محسوب نمی شوند، اما تحت نظارت ضابطان مربوط در این مورد انجام وظیفه می کنند و مسئولیت اقدامات انجام شده در این رابطه با ضابطان است. این مسئولیت نافی مسئولیت قانونی کارکنان وظیفه نیست.

ماده ۳۰ - احراز عنوان ضابط دادگستری، علاوه بر وثاقت و مورد اعتماد بودن منوط به فراگیری مهارت های لازم با گذراندن دوره های آموزشی زیر نظر مرجع قضایی مربوط و تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری است. تحقیقات و اقدامات صورت گرفته از سوی اشخاص فاقد این کارت، ممنوع و از نظر قانونی بدون اعتبار است.

وظایف ضابطان در جرائم مشهود و غیر مشهود (م ۴۴ و ۴۶)

✓ در جرائم غیر مشهود:

اعلام به دادستان و کسب تکلیف و أخذ دستورهای لازم

✓ در جرائم مشهود:

انجام اقدامات لازم

اعلام نتایج بلافاصله به دادستان

امکان نگهداری متهم حداکثر تا بیست و چهار ساعت

«ممنوعیتهای ضابطین دادگستری»

- ۱- ممنوعیت از انجام تحقیقات بدون کارت ضابط بودن
- ۲- ممنوعیت از افشای اطلاعات مربوط به هویت بزه‌دیده
- ۳- ممنوعیت از اخذ تامین از متهم
- ۴- ممنوعیت از اجبار و اکراه متهمان در بازجویی
- ۵- ممنوعیت از تحمیل هزینه های ناشی از انجام وظیفه بر بزه‌دیده
- ۶- ممنوعیت از تحقیق در جرائم اطفال و نوجوانان

مرجع رسیدگی به جرائم ضابطان

جرم در مقام ضابط دادگستری، جرمی است که ضابطان در حین انجام وظایف قانونی خود در ارتباط با جرائم مشهود و یا در راستای اجرای دستور مقام قضائی دادگستری مرتکب می‌شوند.

رسیدگی به این جرائم از صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح خارج بوده و در صلاحیت محاکم عمومی است.

شرایط ضابط محسوب شدن شهروندان

- ۱- چنانچه جرایم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون باشد.
- ۲- جرم به صورت مشهود واقع شود.
- ۳- در صورت عدم حضور ضابطان دادگستری

اعلام و اخبار مقامات رسمی

هرگاه مقامات و اشخاص رسمی از وقوع یکی از جرایم
غیرقابل گذشت در حوزه کاری خود مطلع شوند،
مکلفند موضوع را فوری به دادستان اطلاع دهند.

اعلام و اخبار اشخاص موثق و مطمئن:

۱. اعلام جرم توسط ناظر وقوع جرم

۲. اعلام جرم توسط مطلع

۳. اعلام جرم توسط افراد ناشناس

حقوق سازمانهای مردم نهاد در اعلام جرم براساس نوع جرم:

۱- سازمانهای مردم نهاد در جرائمی غیر از منافیات عفت هم میتوانند اعلام جرم کنند و هم در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند.

۲- سازمانهای مردم نهاد در منافیات عفت فقط حق اعلام جرم و ارائه دلیل دارند اما حق شرکت در جلسات را ندارند.
در صورتی که جرم واقع شده دارای بزه دیده خاص باشد، کسب رضایت بزه‌دیده جهت اعلام جرم توسط سازمانهای مردم نهاد ضروری است.

❖ اگر اعلام جرم سازمان مردم نهادی سه بار متوالی در محاکم رد شود تا یکسال از حق اعلام جرم محروم می شوند.

❑ شروع به تعقیب جرائم قابل گذشت راساً توسط دادستان در موارد خاص

۱. بزه دیده، محجور باشد و ولی یا قیم نداشته یا به آنان دسترسی ندارد و نصب قیم نیز موجب فوت وقت یا توجه ضرر به محجور شود
۲. در صورتی که ولی یا قیم خود مرتکب جرم شده یا مداخله در آن داشته باشد،
۳. بزه دیده، ولی و یا قیم او به عللی از قبیل بیهوشی قادر به شکایت نباشد نیز جاری است.
۴. بزه دیده طفل یا مجنون باشد و ولی قهری یا سرپرست قانونی او با وجود مصلحت مولی علیه اقدام به شکایت نکند

❖ در خصوص شخص سفیه در دعاوی کیفری که جنبه مالی دارد دادستان شروع به تعقیب میکند و در غیر موارد مالی، سفیه می تواند شخصاً طرح شکایت نماید.

❖ در مورد بزه دیدگانی که به عللی از قبیل معلولیت جسمی یا ذهنی یا کهولت سن، ناتوان از اقامه دعوی هستند، دادستان موضوع را با جلب موافقت آنان تعقیب می کند. در این صورت، در خصوص افراد محجور، موقوف شدن تعقیب یا اجرای حکم نیز منوط به موافقت دادستان است.

ترک تعقیب:

۱. در جرایم قابل گذشت
۲. درخواست شاکی تا قبل از صدور کیفرخواست
۳. صدور توسط دادستان
۴. تعقیب مجدد فقط برای یک بار تا یک سال از تاریخ
صدور قرار ترک تعقیب

قرار بایگانی پرونده

۱. در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت
۲. شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد
۳. در صورت فقدان سابقه محکومیت مؤثر کیفری
۴. پس از تفهیم اتهام
۵. در صورت ضرورت با أخذ التزام کتبی
۶. ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ، قابل اعتراض

مرجع تجدیدنظر قرار موضوع این ماده و سایر قرارهای قابل اعتراض مربوط به تحقیقات مقدماتی جرائمی که به طور مستقیم در دادگاه رسیدگی می شوند، دادگاه تجدیدنظر است. (رای وحدت رویه ۷۶۸: چون ماده ۸۰ ق.آ.د.ک برای تعیین شرایط خودداری مقام قضایی از تعقیب متهم و صدور قرار بایگانی پرونده به تصویب رسیده و تبصره آن نیز مرجع تجدیدنظر قرار موضوع این ماده (قرار بایگانی) و سایر قرارهای مربوط به جرائم مذکور در آن (جرائم تعزیری درجه هفت و هشت) را تعیین کرده است. تعمیم مقررات ماده مرقوم و تبصره آن به مقررات ماده ۴۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری که صلاحیت دیوان عالی کشور را در رسیدگی فرجامی نسبت به جرائم مذکور در آن صراحتاً بیان کرده است با توجه به مؤخر بودن این ماده نسبت به ماده ۸۰ و نزدیک بودن آن به نظر مقنن، فاقد وجاهت قانونی است)

قرار تعلیق تعقیب:

۱. در جرایم تعزیری **درجه شش، هفت و هشت** که مجازات آنها قابل تعلیق است
۲. شاکی وجود نداشته، گذشت کرده یا خسارت وارده جبران گردیده باشد
۳. متهم نیز **فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری** باشد
۴. پس از اخذ موافقت متهم
۵. در صورت ضرورت با اخذ تأمین
۶. مدت: **شش ماه تا دو سال**
۷. لغو قرار: ارتکاب یکی از جرایم مستوجب حد، قصاص یا تعزیر **درجه هفت و بالاتر** مورد تعقیب قرار گیرد و **تعقیب وی منتهی به صدور کیفرخواست گردد**
۸. **ظرف ده روز پس از ابلاغ**، قابل اعتراض در دادگاه صالح

□ اعطای مهلت برای تحصیل گذشت شاکی

- ۱- در جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آنها قابل تعلیق است،
- ۲- مقام قضایی می‌تواند به درخواست متهم و موافقت بزه‌دیده یا مدعی خصوصی
- ۳- با أخذ تأمین متناسب،
- ۴- **حداکثر دو ماه** مهلت به متهم بدهد تا برای تحصیل گذشت شاکی یا جبران خسارت ناشی از جرم اقدام کند.

□ میانجیگری

- ۱- در جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آنها قابل تعلیق است،
- ۲- مقام قضایی می‌تواند برای حصول سازش بین طرفین،
- ۳- موضوع را با توافق آنان به شورای حل اختلاف یا شخص یا مؤسسه‌ای برای میانجیگری ارجاع دهد.
- ۴- مدت میانجیگری **بیش از سه ماه نیست**.

❑ تعیین تکلیف راجع به دیه در دادسرا:

- ❑ تکلیف دادسرا در ارسال پرونده به دادگاه در موارد پرداخت دیه از بیت المال
- ❑ کفایت دستور دادستان و عدم نیاز به صدور کیفرخواست
- ❑ احضار عاقله برای تبیین اتهام و اخذ اظهارات

۱-ارجاع دادستان:

ماده ۸۹- شروع به تحقیقات مقدماتی از سوی بازپرس منوط به ارجاع دادستان است. چنانچه بازپرس، ناظر وقوع جرم باشد تحقیقات را شروع می کند، مراتب را فوری به اطلاع دادستان می رساند و در صورت ارجاع دادستان، تحقیقات را ادامه می دهد.

۲-داشتن صلاحیت محلی:

ماده ۱۱۶- بازپرس در حوزه قضایی محل مأموریت خود با رعایت مفاد این قانون ایفای وظیفه می کند و در صورت وجود جهات قانونی در موارد زیر شروع به تحقیق می نماید:

- الف- جرم در حوزه قضایی محل مأموریت او واقع شود.
- ب - جرم در حوزه قضایی دیگری واقع گردد و در حوزه قضایی محل مأموریت او کشف یا متهم در آن حوزه دستگیر شود.
- پ - جرم در حوزه قضایی دیگری واقع شود، اما متهم یا مظنون به ارتکاب جرم در حوزه قضایی محل مأموریت او مقیم باشد.

نکته

در مواردی که جرم خارج از حوزه قضایی محل مأموریت بازپرس واقع شده، اما در حوزه او کشف یا مرتکب در آن حوزه دستگیر شود، بازپرس تحقیقات و اقدامات مقتضی را به عمل می آورد **با صدور قرار عدم صلاحیت، پرونده را به همراه متهم، حداکثر ظرف چهل و هشت ساعت**، به دادسرای محل وقوع جرم می فرستد. اما اگر محل وقوع جرم تا ختم تحقیقات مشخص نشود، بازپرس در خصوص موضوع، اظهار عقیده می کند.

تعریف تحقیقات مقدماتی

تحقیقات مقدماتی، مجموعه اقدامات قانونی است که از سوی بازپرس یا دیگر مقامات قضایی، برای حفظ آثار و علائم و جمع آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم انجام می شود.

مقام انجام دهنده تحقیقات طبق ماده ۹۲:

- ✓ تحقیقات مقدماتی تمام جرایم بر عهده بازپرس است.
- ✓ در غیر جرایم مستوجب مجازات های مقرر در ماده (۳۰۲) این قانون: انجام وظیفه توسط دادستان
- ✓ در جرایم موضوع ماده (۳۰۲) : انجام توسط دادرس دادگاه به تقاضای دادستان و تعیین رئیس حوزه قضایی

ماده ۹۹- تکلیف بازپرس در صورت کشف جرم دیگر در حین تحقیقات:

۱- اگر جرم کشف شده با جرم اول مرتبط نباشد و بدون شکایت شاکی نیز قابل تعقیب باشد، اقدامات لازم را طبق قانون برای حفظ آثار و علائم وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم به عمل می آورد و همزمان مراتب را به دادستان اطلاع می دهد و در صورت ارجاع دادستان، تحقیقات را ادامه می دهد.

۲- اگر جرم کشف شده با جرم اول مرتبط نباشد، چنانچه جرم کشف شده از جرایمی باشد که با شکایت شاکی قابل تعقیب است، مراتب در صورت امکان، توسط دادستان به نحو مقتضی به اطلاع بزه دیده می رسد.

۳- اگر جرم کشف شده با جرم اول مرتبط بوده و از جرائم غیر قابل گذشت باشد بدون نیاز به ارجاع دادستان بازپرس تحقیقات راجع به آن را نیز انجام می دهد.

❖ مواد مرتبط:

۱. کشف جرم جدید توسط ضابطین (ماده ۵۷)

۲. کشف جرم جدید در دادگاه (ماده ۳۶۳)

۳. کشف جرم جدید در مراجع قضایی نیروهای مسلح (ماده ۶۲۹)

منافیات عفت:

- ☐ ممنوعیت تعقیب و تحقیق در منافیات عفت
- ☐ جواز تعقیب و تحقیق صرفاً در محدوده شکایت:
- ✓ تحقق جرم در مرئی و منظر عام
- ✓ وجود شاکی خصوصی
- ✓ تحقق جرم به عنف
- ✓ تحقق جرم بصورت سازمان یافته
- ☐ طرح مستقیم پرونده در دادگاه
- ☐ تکلیف قاضی در توصیه به جرم پوشی در اصرار مرتکب بر اقرار در موارد فقدان شاکی
- ☐ تکلیف قاضی به تذکر عواقب شهادت فاقد شرایط قانونی

قرار توقف تحقیقات ماده ۱۰۴:

بازپرس نمی تواند به عذر آنکه متهم معین نیست، مخفی شده و یا دسترسی به او مشکل است، تحقیقات خود را متوقف کند. **در جرایم تعزیری درجه چهار، پنج، شش، هفت و هشت**، هرگاه با انجام تحقیقات لازم، مرتکب جرم معلوم نشود و **دو سال تمام از وقوع جرم بگذرد**، با موافقت دادستان، قرار توقف تحقیقات صادر و پرونده به طور موقت بایگانی و مراتب در مواردی که پرونده شاکی دارد، به شاکی ابلاغ می شود. شاکی می تواند ظرف مهلت اعتراض به قرارها (۱۰ روز)، به این قرار اعتراض کند. هرگاه شاکی، هویت مرتکب را به دادستان اعلام کند یا مرتکب به نحو دیگری شناخته شود، به دستور دادستان موضوع مجدداً تعقیب می شود. در مواردی که پرونده مطابق قانون به طور مستقیم در دادگاه مطرح شود، دادگاه رأساً مطابق مقررات این ماده اقدام می کند.

برخی قرارهای اعدادی در جریان تحقیقات:

۱- قرار تامین خواسته (ماده ۱۰۷ تا ۱۱۲)

۲- قرار نیابت قضایی (ماده ۱۱۹ تا ۱۲۲)

۳- قرار معاینه محلی یا تحقیق محلی

بازرسی اماکن و منازل

کنترل ارتباطات مخبراتی

کنترل حسابهای بانکی

۴- قرار ارجاع امر به کارشناس (۱۵۵ تا ۱۶۷)

□ صدور قرار تأمین خواسته

ماده ۱۰۷- شاکی می تواند تأمین ضرر و زیان خود را از بازپرس بخواهد. هرگاه این تقاضا مبتنی بر ادله قابل قبول باشد، بازپرس قرار تأمین خواسته صادر می کند.

تبصره - چنانچه با صدور قرار تأمین خواسته، اموال متهم توقیف شود، بازپرس مکلف است هنگام صدور قرار تأمین کیفری این موضوع را مدنظر قرار دهد.

ماده ۱۰۸- در صورتی که خواسته شاکی، عین معین نبوده یا عین معین بوده، اما توقیف آن ممکن نباشد، بازپرس معادل مبلغ ضرر و زیان شاکی از سایر اموال و دارایی های متهم توقیف می کند.

□ اجرای قرار تأمین خواسته

ماده ۱۰۹- قرار تأمین خواسته به محض ابلاغ، اجراء می شود. در مواردی که ابلاغ فوری ممکن نیست و تأخیر در اجراء موجب تضییع خواسته می شود، ابتداء قرار تأمین، اجراء و سپس ابلاغ می شود. این موارد، فوراً به اطلاع دادستان می رسد. قرار تأمین خواسته مطابق مقررات اجرای احکام مدنی در اجرای احکام کیفری دادسرای مربوط اجراء می شود.

ماده ۱۱۰- رفع ابهام و اجمال از قرار تأمین خواسته به عهده بازپرس است و رفع اشکالات ناشی از اجرای آن توسط دادستان یا قاضی اجرای احکام به عمل می آید.

□ مرجع اعتراض ثالث به توقیف مال در تأمین خواسته

ماده ۱۱۱- دادگاه حقوقی به اعتراض اشخاص ثالث نسبت به توقیف اموال ناشی از اجرای قرار تأمین خواسته، مطابق مقررات اجرای احکام مدنی رسیدگی می کند.

□ رفع اثر از قرار تأمین خواسته

ماده ۱۱۲- در مواردی که مطالبه خواسته به تقدیم دادخواست نیاز دارد، چنانچه شاکی تا قبل از ختم دادرسی، دادخواست ضرر و زیان خود را به دادگاه کیفری تقدیم نکند، به درخواست متهم، از قرار تأمین خواسته رفع اثر می شود.

ماده ۱۱۳- در صورتی که به جهتی از جهات قانونی، تعقیب متهم موقوف یا قرار منع تعقیب صادر و یا پرونده به هر کیفیت مختومه شود، پس از قطعیت رأی و اجرای آن، از قرار تأمین خواسته رفع اثر می شود.

□ دستور توقف فعالیت امور تولیدی و خدماتی

ماده ۱۱۴- جلوگیری از فعالیت تمام یا بخشی از امور خدماتی یا تولیدی از قبیل امور تجارتي، کشاورزی، فعالیت کارگاه‌ها، کارخانه‌ها و شرکت‌های تجارتي و تعاونی‌ها و مانند آن ممنوع است مگر در مواردی که حسب قرائن معقول و ادله مثبتة، ادامه این فعالیت متضمن ارتکاب اعمال مجرمانه ای باشد که مضر به سلامت، مخل امنیت جامعه و یا نظم عمومی باشد که در این صورت، بازپرس مکلف است با اطلاع دادستان، حسب مورد از آن بخش از فعالیت مذکور جلوگیری و ادله یادشده را در تصمیم خود قید کند. این تصمیم ظرف پنج روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در دادگاه کیفری است.

❑ موارد صدور قرار نیابت قضایی

انجام هر اقدام تحقیقی خارج از حوزه قضایی محل مأموریت بازپرس:

۱. صدور قرار نیابت قضایی

۲. ارسال اصل یا تصویر اوراق مورد نیاز پرونده و تصریح موارد، انجام آن برای بازپرس مجری نیابت

✓ **جواز نیابت در نیابت:** ارسال پرونده به حوزه دیگر در صورتی که اجرای تمام یا بخشی از مفاد نیابت، مربوط به حوزه قضایی دیگری باشد، و اعلام مراتب به بازپرس نیابت‌دهنده

✓ **انجام نیابت قضایی در حوزه قضایی بخش:** به‌عهده رییس یا دادرس علی‌البدل دادگاه آن محل است.

✓ **ممنوعیت صدور قرار نیابت:** در مواردی که اقرار متهم و یا شهادت شاهد و یا شهادت بر شهادت شاهد، مستند رأی دادگاه باشد، استماع آن توسط قاضی صادرکننده رأی الزامی است.

❑ تامین کیفری در نیابت قضایی

۱. اخذ تامین کیفری توسط بازپرس نیابت‌دهنده

۲. تغییر تامین توسط بازپرس مجری نیابت

۳. صدور تامین طبق نظر بازپرس مجری نیابت

❑ مباشرت بازپرس در نیابت قضایی

۱. با موافقت دادستان مبدأ

۲. هماهنگی با دادستان مقصد

□ تحقیق و معاینه محلی

ماده ۱۲۳- هرگاه برای کشف واقع و روشن شدن موضوع، تحقیق محلی یا معاینه محل ضرورت یابد و یا متهم یا شاکی درخواست نمایند، بازپرس اقدام به تحقیقات محلی یا معاینه محل می کند. ماده ۱۲۶- هنگام تحقیق محلی و معاینه محل، چنانچه بازپرس لازم بداند، شخصاً حاضر می شود؛ اما در جرایم موضوع بند (الف) ماده (۳۰۲) این قانون و همچنین هنگام معاینه اجساد، مکلف است شخصاً و در اسرع وقت حضور یابد.

ماده ۱۳۰- صحنه جرم باید توسط گروه بررسی صحنه جرم که حسب مورد، متشکل از پزشک قانونی، کارشناسان بررسی صحنه جرم و تشخیص هویت، کارآگاهان نیروی انتظامی و عنداللزوم سایر کارشناسان است، تحت نظارت بازپرس و در صورت ضرورت به سرپرستی وی بررسی شود.

ماده ۱۳۷ -تفتیش و بازرسی منازل، اماکن بسته و تعطیل و همچنین تفتیش و بازرسی اشیاء در مواردی که حسب قرائن و امارات، ظن قوی به حضور متهم یا کشف اسباب، آلات و ادله وقوع جرم در آن وجود دارد، با دستور بازپرس و با قید جهات ظن قوی در پرونده، انجام می‌شود.

ماده ۱۳۸ -مجوز تفتیش و بازرسی منزل و محل کار اشخاص و مقامات موضوع مواد (۳۰۷) و (۳۰۸) و نیز متهمان جرایم موضوع بند (ث) ماده (۳۰۲) این قانون، باید به تأیید رییس کل دادگستری استان برسد و با حضور مقام قضایی اجراء شود.

در صورتی که در اجرای دستور بازگشایی اماکنی که متصرف از بازکردن محل خودداری کند، خسارت مادی وارد شود جبران خسارت چگونه خواهد بود؟

- (۱) در هر حال متصرف ممتنع مسئول جبران خسارت است.
- (۲) اگر به موجب تصمیم قطعی، قرار منع یا موقوفی تعقیب و یا حکم برائت صادر شود، دولت مسئول جبران خسارت است.
- (۳) در مواردی که امتناع کننده شخص مجرم نباشد اما موضوع به صدور قرار جلب به دادرسی یا محکومیت متهم منجر شود ضمان منتفی است.
- (۴) اگر تقصیر بازپرس یا سایر مأموران در ایجاد خسارت محرز شود متضرر باید برای جبران خسارت مستقیماً به مرتکب رجوع کند.

ماده ۱۴۵- در صورتی که متصرف منزل و مکان و یا اشیای مورد بازرسی، از بازکردن محل‌ها و اشیای بسته خودداری کند، بازپرس می‌تواند دستور بازگشایی آنها را بدهد، اما تا حد امکان باید از اقداماتی که موجب ورود خسارت می‌گردد، خودداری شود.

تبصره - در صورتی که در اجرای این ماده، خسارت مادی وارد شود و به موجب تصمیم قطعی، قرار منع یا موقوفی تعقیب و یا حکم برائت صادر شود، همچنین مواردی که امتناع‌کننده شخص مجرم نباشد حتی اگر موضوع به صدور قرار جلب به دادرسی یا محکومیت متهم منجر شود، دولت مسئول جبران خسارت است، مگر آنکه تقصیر بازپرس یا سایر مأموران محرز شود که در این صورت، دولت جبران خسارت می‌کند و به بازپرس و یا مأموران مقصر مراجعه می‌نماید.

□ کنترل ارتباطات مخبراتی

ماده ۱۵۰- کنترل ارتباطات مخبراتی افراد ممنوع است، مگر در مواردی که به امنیت داخلی و خارجی کشور مربوط باشد یا برای کشف جرایم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون لازم تشخیص داده شود. در این صورت با موافقت رئیس کل دادگستری استان و با تعیین مدت و دفعات کنترل، اقدام می‌شود. کنترل مکالمات تلفنی اشخاص و مقامات موضوع ماده (۳۰۷) این قانون منوط به تأیید رئیس قوه قضاییه است و این اختیار قابل تفویض به سایرین نمی‌باشد.

تبصره ۱- شرایط و کیفیات کنترل ارتباطات مخبراتی به موجب مصوبه شورای عالی امنیت ملی تعیین می‌شود.

تبصره ۲- کنترل ارتباطات مخبراتی محکومان جز به تشخیص دادگاه نخستین که رأی زیر نظر آن اجراء می‌شود یا قاضی اجرای احکام ممنوع است.

□ کنترل حساب بانکی

ماده ۱۵۱- بازپرس می‌تواند در موارد ضروری، برای کشف جرم و یا دستیابی به ادله وقوع جرم، حساب‌های بانکی اشخاص را با تأیید رئیس حوزه قضائی کنترل کند.

تفتیش و بازرسی مراسلات پستی:

✓ مربوط به متهم در مواردی به عمل می‌آید که ظن قوی به کشف جرم، دستیابی به ادله وقوع جرم و یا شناسایی متهم وجود داشته باشد.

✓ مربوط به محکومان، به تشخیص دادگاه به وسیله مأموران مورد اعتماد زندان اعمال می‌گردد

❑ قرار کارشناسی

ماده ۱۵۵- هرگاه بازپرس رأساً یا به تقاضای یکی از طرفین انجام کارشناسی را ضروری بداند، قرار ارجاع امر به کارشناسی را صادر می کند. بازپرس باید موضوعی را که جلب نظر کارشناس نسبت به آن لازم است به طور دقیق تعیین کند.

نحوه انتخاب کارشناس

ماده ۱۵۸- کارشناس منتخب از سوی بازپرس مکلف به انجام موضوع کارشناسی است، مگر آنکه به تشخیص بازپرس عذر موجه داشته باشد یا موضوع از موارد رد کارشناس محسوب شود که در این صورت، کارشناس باید پیش از اقدام به کارشناسی، مراتب را به طور کتبی به بازپرس اعلام دارد.

تبصره - جهات رد کارشناس همان جهات رد دادرسی است.

❑ تمدید مهلت کارشناسی

ماده ۱۵۹- بازپرس هنگام ارجاع موضوع به کارشناس، مهلت معین را برای اعلام نظر وی مشخص می کند. در مواردی که اظهارنظر مستلزم زمان بیشتر باشد، کارشناس باید ضمن تهیه و ارسال گزارشی از اقدامات انجام شده، با ذکر دلیل، تقاضای تمدید مهلت کند که در این صورت، بازپرس می تواند برای یک بار مهلت را تمدید کند. تمدید مهلت به کارشناس و طرفین ابلاغ می گردد. هرگاه کارشناس ظرف مدت معین نظر خود را به طور کتبی تقدیم بازپرس ننماید، کارشناس دیگری تعیین می شود. چنانچه قبل از انتخاب یا اخطار به کارشناس دیگر نظر کارشناس به بازپرس واصل شود، به آن ترتیب اثر می دهد. در هر حال بازپرس تخلف کارشناس را به مرجع صلاحیتدار اعلام می کند.

❑ اعتراض به نظر کارشناس

ماده ۱۶۱- جز در موارد فوری، پس از پرداخت دستمزد، به کارشناس اخطار می شود که ظرف مهلت تعیین شده در قرار کارشناسی، نظر خود را تقدیم کند. مراتب وصول نظر کارشناس به طرفین ابلاغ می شود. طرفین می توانند ظرف یک هفته از تاریخ ابلاغ، جهت ملاحظه نظر کارشناس به دفتر بازپرسی مراجعه و نظر خود را به طور کتبی اعلام کنند.

□ جلب کارشناس

ماده ۱۶۳- در صورت نقص نظریه کارشناسی یا ضرورت اخذ توضیح از کارشناس، بازپرس موارد لازم را در صورتمجلس درج و به کارشناس اعلام می‌کند و او را برای ادای توضیح دعوت می‌نماید. در صورتی که کارشناس بدون عذر موجه در بازپرسی حاضر نشود، جلب می‌شود. تبصره - هرگاه پس از اخذ توضیحات، بازپرس نظریه کارشناسی را ناقص تشخیص دهد، قرار تکمیل آن را صادر و اجرای قرار را به همان کارشناس یا کارشناس دیگر محول می‌کند.

□ محل تردید بودن نظر کارشناس

ماده ۱۶۵- هرگاه نظریه کارشناس به نظر بازپرس، محل تردید باشد یا در صورت تعدد کارشناسان، بین نظر آنان اختلاف باشد، بازپرس می‌تواند تا دو بار دیگر از سایر کارشناسان دعوت به عمل آورد، یا نظریه کارشناس یا کارشناسان مذکور را نزد متخصص علم یا فن مربوط ارسال و نظر او را استعلام کند.

□ عدم انطباق نظر کارشناس با اوضاع و احوال

ماده ۱۶۶- در صورتی که نظر کارشناس با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی مطابقت نداشته باشد، بازپرس نظر کارشناس را به نحو مستدل رد می‌کند و موضوع را به کارشناس دیگر ارجاع می‌دهد.

در مواردی که موضوع کارشناسی از امور نظامی باشد :

- (۱) در این خصوص ارجاع به کارشناس امکان پذیر نیست.
- (۲) نیروهای مسلح می توانند نسبت به تأمین کارشناسان مورد نیاز و پرداخت هزینه کارشناسی اقدام نمایند.
- (۳) پرداخت هزینه کارشناسی در هر حال از اعتبارات قوه قضاییه پرداخت می شود.
- (۴) نیروهای مسلح مکلفند نسبت به تأمین کارشناسان مورد نیاز و پرداخت هزینه کارشناسی اقدام نمایند.

ماده ۶۱۴ - در مواردی که رسیدگی به امری از نظر علمی، فنی، مالی، نظامی و یا سایر جهات نیاز به کارشناسی داشته باشد، مرجع رسیدگی کننده از کارشناس یا هیأت کارشناسی کسب نظر می نماید.

تبصره ۱- در مواردی که موضوع کارشناسی از امور نظامی باشد یا به تشخیص مرجع قضائی، اظهار نظر کارشناسان نیروهای مسلح ضروری باشد، نیروهای مسلح مکلفند نسبت به تأمین کارشناسان مورد نیاز و پرداخت هزینه کارشناسی اقدام نمایند.

*** احضار متهم عادی :**

۱- به وسیله احضاریه (فاصله میان ابلاغ اوراق احضاریه و زمان حضور نزد بازپرس حداقل ۵روز)

۲- به وسیله نشر آگهی

موارد جلب بدوی بدون احضار در دادسرا: (م ۱۸۷)

الف - در مورد جرایمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، قطع عضو و یا حبس ابد است.

ب - هرگاه محل اقامت، محل کسب و یا شغل متهم معین نباشد و اقدامات بازپرس برای شناسایی نشانی وی به نتیجه نرسد.

پ - در مورد جرایم تعزیری درجه پنج و بالاتر در صورتی که از اوضاع و احوال و قرائن موجود، بیم تبانی یا فرار یا مخفی شدن متهم برود.

ت - در مورد اشخاصی که به جرایم سازمان یافته و جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی متهم باشند.

موارد جلب بدوی بدون احضار در دادگاه: (تبصره ۳۹۱)

چنانچه در جرایم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون، دادگاه جلب بدون احضار متهم را برای محاکمه لازم بداند، دستور جلب وی را برای روز محاکمه صادر می کند.

احضار متهم نظامی:

۱- از طریق فرمانده یا مسؤول مافوق

۲- در صورتی که به متهم در یگان مربوطه دسترسی نباشد، احضار از محل اقامت صورت و اطلاع به فرمانده یا مسؤول مافوق

۳- نشر آگهی به علت معلوم نبودن محل اقامت متهم با موافقت رئیس سازمان قضائی استان یا معاون وی

۴- در جرم فرار از خدمت، ابلاغ احضاریه به آخرین نشانی محل اقامت متهم که در پرونده کارگزینی وی موجود است، ابلاغ قانونی محسوب می شود و رسیدگی بر طبق مقررات و بدون رعایت تشریفات نشر آگهی ادامه می یابد.

احضار و تحقیق از شهود و مطلعان

* بازپرس شخصی که حضور یا تحقیق از وی را برای روشن شدن موضوع ضروری تشخیص دهد، برابر مقررات احضار می‌کند.

* در صورتی که شاهد یا مطلع برای عدم حضور خود عذر موجهی نداشته باشد جلب می‌شود. اما در صورتیکه عذر موجهی داشته باشد و بازپرس آن عذر را بپذیرد، مجدداً احضار و در صورت عدم حضور جلب می‌شود.

* در صورتیکه شاهد یا مطلع از نیروهای مسلح باشد، باید حداقل بیست و چهار ساعت پیش از تحقیق یا جلسه محاکمه از طریق فرمانده یا رئیس او دعوت شود. فرمانده یا رئیس مربوط مکلف است پس از وصول دستور مقام قضایی، شخص احضار شده را در موقع مقرر بفرستد.

* تحقیق و بازجویی از شهود و مطلعان قبل از رسیدگی در دادگاه، غیر علنی است.

* تفهیم اتهام به کسی که به عنوان متهم احضار نشده از قبیل شاهد یا مطلع ممنوع است.

دسترسی به اوراق پرونده در دادسرا و دادگاه

□ دسترسی شاکی به اوراق در دادسرا

ماده ۱۰۰ ق.آ.د.ک

□ دسترسی متهم به اوراق در دادسرا

ماده ۱۹۱ ق.آ.د.ک

□ دسترسی شاکی و متهم به اوراق در دادگاه

ماده ۳۵۱ ق.آ.د.ک

تشکیل پرونده شخصیت:

برای بزرگسالان:

در جرایمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه چهار و بالاتر است و همچنین در جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آنها ثلث دیه کامل مجنی علیه یا بیش از آن است، بازپرس مکلف است در حین انجام تحقیقات، دستور تشکیل پرونده شخصیت متهم را به واحد مددکاری اجتماعی صادر نماید.

برای اطفال و نوجوانان:

در جرایمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه شش و بالاتر است و همچنین در جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آنها ثلث دیه کامل مجنی علیه یا بیش از آن است، بازپرس مکلف است در حین انجام تحقیقات، دستور تشکیل پرونده شخصیت متهم را به واحد مددکاری اجتماعی صادر نماید.

قرارهای تامین کیفری

هدف از صدور قرار تامین کیفری:

- ۱- دسترسی به متهم
- ۲- حضور به موقع متهم
- ۳- جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم
- ۴- تضمین حقوق بزه‌دیده برای جبران ضرر و زیان وی

انواع قرارهای تامین کیفری:

- الف - التزام به حضور با قول شرف
- ب - التزام به حضور با تعیین وجه التزام
- پ - التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با قول شرف
- ت - التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با تعیین وجه التزام
- ث - التزام به معرفی نوبه‌ای خود به صورت هفتگی یا ماهانه به مرجع قضایی یا انتظامی با تعیین وجه التزام
- ج - التزام مستخدمان رسمی کشوری یا نیروهای مسلح به حضور با تعیین وجه التزام، با موافقت متهم و پس از أخذ تعهد پرداخت از محل حقوق آنان از سوی سازمان مربوط
- چ - التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده با موافقت متهم با تعیین وجه التزام از طریق نظارت با تجهیزات الکترونیکی یا بدون نظارت با این تجهیزات
- ح - أخذ کفیل با تعیین وجه الکفاله
- خ - أخذ وثیقه اعم از وجه نقد، ضمانت‌نامه بانکی، مال منقول یا غیرمنقول
- د - بازداشت موقت با رعایت شرایط مقرر قانونی

أخذ كفيل با تعیین وجه الكفاله و وثیقه

*** ضمانت اجرای عدم معرفی کفیل یا عدم تودیع وثیقه = بازداشت متهم**
*** بازداشت متهم در نتیجه عدم معرفی کفیل یا وثیقه یا عدم پذیرش کفیل یا وثیقه = ظرف ده روز قابل اعتراض**

*** در صورتیکه متهم بخواهد به جای معرفی کفیل، وثیقه (اعم از وجه نقد، ضمانت نامه بانکی، مال منقول یا غیر منقول) بسپارد، بازپرس مکلف به قبول آن و تبدیل قرار است.**

*** چنانچه بازپرس ملأئت کفیل را احراز نکند، مراتب را فوری به نظر دادستان میرساند. دادستان موظف است در همان روز، رسیدگی و در این باره اظهار نظر کند. **تشخیص دادستان برای بازپرس الزامی است.** در صورت تأیید نظر بازپرس توسط دادستان مراتب در پرونده درج می شود.**

تست

اگر فردی مرتکب یک فقره قتل عمدی و یک فقره سرقت حدی در بار سوم و مرتکب یک فقره توهین تعزیری با مجازات تعزیری درجه شش و حمل مشروبات الکلی با مجازات حبس درجه ۶ شده باشد چند قرار تامین کیفری برای او صادر می شود؟

(۱) ۱ قرار تامین کیفری

(۲) ۲ قرار تامین کیفری

(۳) ۳ قرار تامین کیفری

(۴) ۴ قرار تامین کیفری

✓ تکلیف ملتزم یا کفیل یا وثیقه گذار در حاضر کردن متهم و ضمانت اجرای آن

ماده ۲۳۰- متهمی که برای او قرار تأمین صادر و خود ملتزم شده یا وثیقه گذاشته است، در صورتی که حضورش لازم باشد، احضار می‌شود و هرگاه ثابت شود بدون عذر موجه حاضر نشده است، در صورت ابلاغ واقعی اختاریه، وجه التزام تعیین شده به دستور دادستان اخذ و یا از وثیقه سپرده شده معادل وجه قرار ضبط می‌شود. چنانچه متهم، کفیل معرفی کرده یا شخص دیگری برای او وثیقه سپرده باشد به کفیل یا وثیقه‌گذار اخطار می‌شود که ظرف یک ماه متهم را تحویل دهد. در صورت ابلاغ واقعی اختاریه و عدم تحویل متهم، به دستور دادستان، حسب مورد، وجه‌الکفاله اخذ و یا از وثیقه، معادل وجه قرار، ضبط می‌شود. دستور دادستان پس از قطعیت، بدون صدور اجرائیه در اجرای احکام کیفری و مطابق مقررات اجرای احکام مدنی اجراء می‌شود.

✓ اعتراض به دستور ضبط وثیقه یا اخذ وجه التزام یا وجه الکفاله

ماده ۲۳۵- متهم، کفیل و وثیقه‌گذار می‌توانند در موارد قانونی ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ دستور دادستان، درباره اخذ وجه التزام، وجه‌الکفاله و یا ضبط وثیقه اعتراض کنند. مرجع رسیدگی به این اعتراض، دادگاه کیفری دو است. دادگاه در تمام موارد فوق، خارج از نوبت و بدون رعایت تشریفات دادرسی به شکایت رسیدگی می‌کند. رأی دادگاه قطعی است. مرجع رسیدگی به اعتراض نسبت به دستور رییس یا دادرس دادگاه عمومی بخش، دادگاه کیفری دو نزدیک‌ترین شهرستان آن استان است.

✓ حاضر کردن متهم بعد از دستور ضبط یا اخذ تأمین

ماده ۲۳۶- در صورتی که متهم پس از صدور دستور دادستان مبنی بر اخذ وجه‌التزام یا وجه‌الکفاله و یا ضبط وثیقه و پیش از اتمام عملیات اجرایی، در مرجع قضایی حاضر شود یا کفیل یا وثیقه‌گذار او را حاضر کند، دادستان با رفع اثر از دستور صادره، دستور اخذ یا ضبط حداکثر تا یک چهارم از وجه قرار را صادر می‌کند. در این صورت، اعتبار قرار تأمین صادره به قوت خود باقی است. هرگاه متهم خود ایداع وثیقه کرده باشد، مکلف است، نسبت به تکمیل وجه قرار اقدام کند و چنانچه شخص ثالث از متهم کفالت نموده و یا ایداع وثیقه کرده باشد و رفع مسؤولیت خود را درخواست نکند، مکلف است نسبت به تکمیل وجه قرار اقدام کند. در صورتی که شخص ثالث، رفع مسؤولیت خود را درخواست کند، متهم حسب مورد، نسبت به معرفی کفیل یا وثیقه‌گذار جدید اقدام می‌کند.

موارد جواز صدور قرار بازداشت موقت:

الف - جرایمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات یا حبس ابد یا قطع عضو و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی، که میزان دیه آنها ثلث دیه کامل یا بیش از آن است.

ب - جرایم تعزیری که درجه چهار و بالاتر است.

پ - جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور که مجازات قانونی آنها درجه پنج و بالاتر است.

ت - ایجاد مزاحمت و آزار و اذیت بانوان و اطفال و تظاهر، قدرت نمایی و ایجاد مزاحمت برای اشخاص که به وسیله چاقو یا هر نوع اسلحه انجام شود.

ث - سرقت، کلاهبرداری، ارتشاء، اختلاس، خیانت در امانت، جعل یا استفاده از سند مجعول در صورتیکه مشمول بند (ب) این ماده نباشد و متهم دارای یک فقره سابقه محکومیت قطعی به علت ارتکاب هر یک از جرایم مذکور باشد.

***در زمان جنگ، صدور قرار بازداشت موقت با رعایت مقررات مندرج در این قانون در موارد زیر الزامی است:**

- الف - جرائم موجب مجازات محارب یا مفسد فی الارض
- ب - جرائم عمدی علیه امنیت داخلی و خارجی موجب مجازات تعزیری درجه پنج و بالاتر
- پ - شورش مسلحانه
- ت - لغو دستور حرکت به طرف دشمن یا محاربان و مفسدان یا در ناحیه‌ای با شرایط جنگی و یا محدودیت های ضروری اعلام شده
- ث - ایراد ضرب و یا جرح عمدی با سلاح، نسبت به مافوق
- ج - قتل عمدی
- چ - فرار از جبهه
- ح - فرار از محل مأموریت یا منطقه درگیری در جریان عملیات علیه عوامل خرابکار، ضد انقلاب، اشرار و قاچاقچیان مسلح
- خ - فرار همراه با سلاح گرم یا توسط هواپیما، بالگرد، کشتی، ناوچه، تانک و وسایل موتوری جنگی یا مجهز به سلاح جنگی
- د - فرار به سوی دشمن
- ذ - فرار با تبانی یا توطئه
- ر - سرقت سلاح و مهمات و وسایل نظامی در هنگام اردو کشی یا مأموریت آماده باش یا عملیات رزمی یا در منطقه جنگی در صورت اخلاف در مأموریت یگان و یا حمل سلاح ظاهر یا مخفی توسط یک یا چند نفر از مرتکبان در حین سرقت
- ز - تخریب، آتش زدن، از بین بردن و اطلاق عمدی تأسیسات، ساختمان ها، استحکامات نظامی، کشتی، هواپیما و امثال آنها، انبارها، راهها، وسایل دیگر ارتباطی و مخابراتی یا الکترونیکی، مراکز نگهداری اسناد طبقه بندی شده مورد استفاده نیروهای مسلح، وسایل دفاعی، تمام یا قسمتی از ملزومات جنگی، مهمات و مواد منفجره اعم از اینکه مرتکب شخصاً اقدام نماید یا دیگری را وادار به آن کند.

***در مواردی که مجازات قانونی جرم حبس باشد، مدت بازداشت موقت نباید از حداقل مجازات قانونی آن جرم تجاوز کند.**

تکلیف بازپرس در اطلاع به دادستان

ماده ۲۴۰- قرار بازداشت متهم باید فوری نزد دادستان ارسال شود. دادستان مکلف است حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت نظر خود را به طور کتبی به بازپرس اعلام کند. هرگاه دادستان با قرار بازداشت متهم موافق نباشد، حل اختلاف با دادگاه صالح است.

حل اختلاف بازپرس و دادستان در قرار بازداشت موقت:

ماده ۲۴۱- هرگاه علت بازداشت مرتفع شود و موجب دیگری برای ادامه آن نباشد، بازپرس با موافقت دادستان فوری از متهم رفع بازداشت می کند. در صورت مخالفت دادستان با تصمیم بازپرس، حل اختلاف با دادگاه صالح است.

درخواست متهم نسبت به فک یا تخفیف قرار بازداشت:

اگر متهم نیز موجبات بازداشت را مرتفع بداند، می تواند فک قرار بازداشت یا تبدیل آن را از بازپرس تقاضا کند. بازپرس به طور فوری و حداکثر ظرف پنج روز به طور مستدل راجع به درخواست متهم اظهار نظر می کند. در صورت رد درخواست، مراتب در پرونده ثبت و قرار رد به متهم ابلاغ می شود و متهم می تواند ظرف ده روز به آن اعتراض کند. متهم در هر ماه فقط یک بار می تواند این درخواست را مطرح کند.

مدت قرار بازداشت موقت (ماده ۲۴۲):

در جرایم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون تا دو ماه در سایر جرایم تا یک ماه

اعتراض متهم به ابقای قرار بازداشت:

متهم می تواند از تصمیم ابقای قرار بازداشت ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ به دادگاه صالح اعتراض کند. فک یا تخفیف قرار بدون نیاز به موافقت دادستان انجام می شود و ابقای تأمین باید به تأیید دادستان برسد و در صورت مخالفت دادستان، حل اختلاف با دادگاه صالح است. فک، تخفیف، یا ابقای بازداشت موقت، باید به تأیید دادستان برسد و در صورت مخالفت دادستان، حل اختلاف با دادگاه صالح است.

حداکثر مدت بازداشت موقت:

به هر حال، مدت بازداشت متهم نباید از حداقل مجازات حبس مقرر در قانون برای آن جرم تجاوز کند و در هر صورت در جرایم موجب مجازات سلب حیات مدت بازداشت موقت از دو سال و در سایر جرایم از یک سال تجاوز نمی کند.

❑ قرار تأمین قابل صدور بر شخص حقوقی و قابلیت اعتراض به آن

ماده ۶۹۰ - در صورت وجود دلیل کافی دایر بر توجه اتهام به شخص حقوقی و در صورت اقتضاء منحصرأ صدور قرارهای تأمینی زیر امکانپذیر است. این قرارها ظرف ده روز پس از ابلاغ، قابل اعتراض در دادگاه صالح است.

الف - قرار ممنوعیت انجام بعضی از فعالیت های شغلی که زمینه ارتکاب مجدد جرم را فراهم می کند.

ب - قرار منع تغییر ارادی در وضعیت شخص حقوقی از قبیل انحلال، ادغام و تبدیل که باعث دگرگونی یا از دست دادن شخصیت حقوقی آن شود. تخلف از این ممنوعیت موجب یک یا دو نوع از مجازاتهای تعزیری درجه هفت یا هشت برای مرتکب است.

□ قرار نظارت قضایی

ماده ۲۴۷- بازپرس می تواند متناسب با جرم ارتكابی، علاوه بر صدور قرار تأمین، قرار نظارت قضایی را که شامل یک یا چند مورد از دستورهای زیر است، برای مدت معین صادر کند:

الف- معرفی نوبه‌ای خود به مراکز یا نهادهای تعیین شده توسط بازپرس

ب- منع رانندگی با وسایل نقلیه موتوری

پ- منع اشتغال به فعالیت‌های مرتبط با جرم ارتكابی

ت- ممنوعیت از نگهداری سلاح دارای مجوز

ث- ممنوعیت خروج از کشور

تبصره ۱- در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت، در صورت ارائه تضمین لازم برای جبران خسارات وارده، مقام قضایی می تواند فقط به صدور قرار نظارت قضایی اکتفاء کند.

تبصره ۲- قرارهای موضوع این ماده ظرف ده روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. چنانچه این قرار توسط دادگاه صادر شود، ظرف ده روز، قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر استان می باشد.

موارد منتفی شدن قرار تامین بدون سپردن تامین جدید:

ماده ۲۵۱- هرگاه متهم یا محکوم^{۲۹} علیه در مواعد مقرر حاضر شود، یا پس از آن حاضر و عذر موجه خود را اثبات کند، با شروع به اجرای حبس و تبعید یا اقامت اجباری و با اجرای کامل سایر مجازات‌ها و یا صدور قرارهای منع و موقوفی و تعلیق تعقیب، تعلیق اجرای مجازات و مختومه شدن پرونده به هر کیفیت، قرار تأمین و نظارت قضایی لغو می‌شود.

مطالبه خسارت ایام بازداشت:

ماده ۲۵۵- اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت می‌شوند و از سوی مراجع قضایی، حکم برائت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر شود، می‌توانند خسارت ایام بازداشت را از دولت مطالبه کنند.

ماده ۲۵۶- در موارد زیر شخص بازداشت شده مستحق جبران خسارت نیست: **(قاعده اقدام)**

الف- بازداشت شخص، ناشی از خودداری در ارائه اسناد، مدارک و ادله بی‌گناهی خود باشد.

ب- به منظور فراری دادن مرتکب جرم، خود را در مظان اتهام و بازداشت قرار داده باشد.

پ- به هر جهتی به ناحق موجبات بازداشت خود را فراهم آورده باشد.

ت- همزمان به علت قانونی دیگر بازداشت باشد.

ماده ۲۵۷- شخص بازداشت شده باید ظرف **شش ماه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی حاکی از بی‌گناهی** خود، درخواست جبران

خسارت را به **کمیسیون استانی**، متشکل از سه نفر از قضات دادگاه تجدیدنظر استان به انتخاب رییس قوه قضاییه تقدیم

کند. کمیسیون در صورت احراز شرایط مقرر در این قانون، حکم به پرداخت خسارت صادر می‌کند. در صورت رد

درخواست، این شخص می‌تواند **ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ، اعتراض** خود را به کمیسیون موضوع ماده (۲۵۸) این قانون

اعلام کند.

ماده ۲۵۸- رسیدگی به اعتراض شخص بازداشت شده، در **کمیسیون ملی** جبران خسارت متشکل از رییس دیوان عالی

کشور یا یکی از معاونان وی و دو نفر از قضات دیوان عالی کشور به انتخاب رییس قوه قضاییه به عمل می‌آید. رأی کمیسیون

قطعی است.

ماده ۲۵۹- جبران خسارت موضوع ماده (۲۵۵) این قانون بر عهده دولت است و در صورتی که بازداشت بر اثر اعلام مغرضانه

جرم، شهادت کذب و یا تقصیر مقامات قضایی باشد، دولت پس از جبران خسارت می‌تواند به مسؤول اصلی مراجعه کند.

✓ اقدامات بازپرس و دادستان پس از ختم تحقیقات:

- ۱- اخذ آخرین دفاع از متهم
- ۲- ارزیابی دلایل جمع آوری شده
- ۳- اعلام نظر در قالب یکی از قرار های نهایی ظرف ۵ روز
- ۴- ارسال فوری پرونده نزد دادستان
- ۵- اظهار نظر دادستان نسبت به قرار صادره ظرف ۳ روز از تاریخ وصول پرونده

الف – انواع قرارهای نهایی صادره توسط بازپرس:

- ۱- قرار منع تعقیب
- ۲- قرار موقوفی تعقیب
- ۳- قرار جلب به دادرسی

ب- نظر دادستان نسبت به قرارهای نهایی صادره توسط بازپرس

پ- حل اختلاف بین بازپرس و دادستان

پ- صدور کیفرخواست توسط دادستان

□ چگونگی حل اختلاف بین بازپرس و دادستان و رسیدگی به اعتراض شاکی و متهم نسبت به قرارهای قابل اعتراض

ماده ۲۷۱- مرجع حل اختلاف بین دادستان و بازپرس و رسیدگی به اعتراض شاکی یا متهم نسبت به قرارهای قابل اعتراض، با دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به آن اتهام را دارد. چنانچه دادگاه انقلاب یا دادگاه کیفری یک در حوزه قضایی دادسرا تشکیل نشده باشد، دادگاه کیفری دو محل، صالح به رسیدگی است.

ماده ۲۷۲- در صورت اختلاف دادستان و بازپرس در صلاحیت، نوع جرم یا مصادیق قانونی آن، حل اختلاف با دادگاه کیفری دویی است که دادسرا در معیت آن انجام وظیفه می کند.

□ امکان اعتراض مجدد نسبت به تأیید قرارهای منع یا موقوفی تعقیب در جرائم خاص

ماده ۲۷۳- حل اختلاف بین بازپرس و دادستان و رسیدگی به اعتراض شاکی یا متهم نسبت به قرارهای قابل اعتراض، در جلسه فوق العاده دادگاه صورت می گیرد. تصمیم دادگاه در این خصوص قطعی است، مگر در مورد قرارهای منع یا موقوفی تعقیب در جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون که در صورت تأیید، این قرارها مطابق مقررات قابل تجدیدنظر است.

چنانچه در خصوص جنایت واقع شده پس از اتمام تحقیقات
مقدماتی نظر بازپرس بر عمدی بودن قتل باشد ولی نظر دادستان بر
شبه عمدی بودن قتل باشد در خصوص اختلاف حاصله مرجع حل
اختلاف کدام است؟

(۱) دادگاه کیفری یک

(۲) دیوان عالی کشور

(۳) دادگاه کیفری دویی که دادسرا در معیت آن انجام وظیفه می کند.

(۴) نظر دادستان برای بازپرس لازم الاتباع است.

چنانچه فردی متهم به یک فقره تخریب و اتلاف اموال به منظور
مقابله با نظام و حمل مواد مخدر و دو فقره قتل عمدی و سه
فقره کیف قاپی با مجازات تعزیری درجه پنج باشد نسبت به
متهم چند کیفرخواست صادر می شود؟

(۱) یک کیفرخواست

(۲) دو کیفرخواست

(۳) سه کیفرخواست

(۴) چهار کیفرخواست

ماده ۲۶۸- در صورتی که عقیده دادستان و بازپرس بر جلب متهم به دادرسی باشد، دادستان ظرف دو روز با صدور کیفرخواست، از طریق شعبه بازپرسی بلافاصله پرونده را به دادگاه صالح ارسال می کند.

ماده ۲۷۹- در کیفرخواست موارد زیر قید می شود:

الف - مشخصات متهم، شامل نام، نام خانوادگی، نام پدر، شهرت، سن، شغل، شماره ملی، شماره شناسنامه، تابعیت، مذهب، محل اقامت و وضعیت تأهل او

ب - آزاد، تحت قرار تأمین یا نظارت قضایی بودن متهم و نوع آن و یا بازداشت بودن وی با قید علت و تاریخ شروع بازداشت

پ - نوع اتهام، تاریخ و محل وقوع جرم اعم از بخش، دهستان، روستا، شهر، ناحیه، منطقه، خیابان و کوچه

ت - ادله انتساب اتهام

ث - مستند قانونی اتهام

ج - سابقه محکومیت مؤثر کیفری متهم

چ - خلاصه پرونده شخصیت یا وضعیت روانی متهم

تبصره - هرگاه در صدور کیفرخواست، سهو قلم یا اشتباه بین صورت گیرد، تا پیش از ارسال به دادگاه، دادستان آن را اصلاح و

پس از ارسال کیفرخواست به دادگاه، موارد اصلاحی آن را به دادگاه اعلام می کند.

ماده ۲۸۰- عنوان اتهامی که در کیفرخواست ذکر می شود، مانع از تعیین عنوان صحیح قانونی توسط دادگاه نیست. در

صورتی که مجموع اعمال ارتكابی متهم در نتیجه تحقیقات دادرسی روشن باشد و دادگاه فقط عنوان اتهام را نادرست تشخیص

دهد، مکلف است اتهام جدید را به متهم تفهیم، تا از اتهام انتسابی مطابق مقررات دفاع کند و سپس مبادرت به صدور رأی

نماید.

ماده ۲۸۴- در صورت انتساب اتهامات متعدد به متهم که رسیدگی به آنها در صلاحیت ذاتی دادگاههای مختلف است،

کیفرخواست جداگانه خطاب به هر یک از دادگاههای صالح صادر می شود.

مراجع رسیدگی:

الف) مراجع قضایی:

- ۱- دادگاه کیفری ۲
- ۲- دادگاه کیفری ۱
- ۳- دادگاه بخش
- ۴- دادگاه اطفال و نوجوانان
- ۵- دادگاه انقلاب
- ۶- دادگاه نظامی

«دادگاه کیفری ۲»

- ۱- صلاحیت عام
- ۲- رسیدگی با وحدت قاضی

«دادگاه کیفری ۱»

- ۱- رسیدگی با تعدد قضات
- ۲- صلاحیت دادگاه کیفری یک عبارت است از:
 - الف- جرایم موجب مجازات سلب حیات
 - ب- جرایم موجب مجازات حبس ابد
 - پ - جرایم موجب مجازات قطع عضو یا جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان نصف ديه کامل یا بیش از آن
 - ت - جرایم موجب مجازات تعزیری درجه سه و بالاتر
 - ث- جرایم سیاسی و جرم مطبوعاتی

✓ طبق رای وحدت رویه ۷۸۷ مصوب ۱۳۹۸، راجع به تبصره ۲ ماده ۳۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری: چنانچه جرمی به اعتبار یکی از بندهای ماده (۳۰۲) این قانون در دادگاه کیفری یک مطرح گردد و دادگاه پس از رسیدگی و تحقیقات کافی و ختم دادرسی تشخیص دهد عمل ارتكابی عنوان مجرمانه دیگری دارد که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه کیفری دو است، دادگاه کیفری یک به این جرم رسیدگی و حکم مقتضی صادر می‌نماید.

در دادگاه اطفال و نوجوانان:

۱- رییس دادگستری یا رییس کل دادگاه‌های شهرستان مرکز استان هر حوزه حسب مورد ریاست دادگاه‌های اطفال و نوجوانان را نیز برعهده دارد.

۲- قضات دادگاه و دادرای اطفال و نوجوانان حداقل پنج سال سابقه خدمت قضایی دارند.

۳- برای انتخاب مشاوران، رییس حوزه قضایی هر محل برای هر شعبه حداقل هشت نفر مرد و زن را که واجد شرایط مندرج در این ماده بداند به رییس کل دادگستری استان پیشنهاد می‌کند. رییس کل دادگستری استان از بین آنان حداقل چهار نفر را برای مدت دو سال به این سمت منصوب می‌نماید. انتخاب مجدد آنان بلامانع است.

چنانچه یک دختر ۱۳ ساله مرتکب جرم حمل مواد مخدر
با مجازات حبس تعزیری درجه پنج شده باشد رسیدگی به
جرم او در صلاحیت کدام دادگاه است؟

(۱) دادگاه اطفال و نوجوانان

(۲) دادگاه انقلاب

(۳) دادگاه کیفری یک ویژه نوجوانان بالغ زیر ۱۸ سال

(۴) دادگاه کیفری دو

«دادگاه انقلاب»

۱- برای رسیدگی به جرایم موجب مجازات ماده ۳۰۲ با تعدد قضات رسیدگی میکند.

۲- در سایر جرایم با وحدت قاضی رسیدگی میکند.

۳- صلاحیت دادگاه انقلاب:

الف - جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، محاربه و افساد فی الارض، بغی، تبانی و اجتماع علیه جمهوری اسلامی ایران یا اقدام مسلحانه یا احراق، تخریب و اتلاف اموال به منظور مقابله با نظام

ب - توهین به مقام بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مقام رهبری

پ- تمام جرایم مربوط به مواد مخدر، روانگردان و پیشسازهای آن و قاچاق اسلحه، مهمات و اقلام و مواد تحت کنترل

ت- سایر مواردی که به موجب قوانین خاص در صلاحیت دادگاه انقلاب است.

«دادگاه نظامی»

به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی اعضای نیروهای مسلح به جز جرائم در مقام ضابط دادگستری در سازمان قضائی نیروهای مسلح رسیدگی می‌شود.

دادگاه های نظامی تقسیم میشود به :

- الف - دادگاه نظامی دو
- ب - دادگاه نظامی یک
- ت - دادگاه نظامی دو زمان جنگ
- ث - دادگاه نظامی یک زمان جنگ

***وظایف، اختیارات، صلاحیت و تعداد اعضای دادگاه های نظامی دو، نظامی یک همان است که در مورد دادگاه های کیفری دو، کیفری یک مقرر شده است.**

***به جرائم نظامیان زیر در دادگاه و دادرای نظامی مرکز استان محل وقوع جرم رسیدگی می‌شود:**

الف - نظامیان دارای درجه سرهنگی که در محل سرتیپ دومی و بالاتر شاغل می‌باشند.
 ب - نظامیان دارای درجه سرتیپ دومی در صورتی که مشمول مقررات ماده (۳۰۷) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نباشند.

***به جرایم نظامیان زیر در دادگاه نظامی یک و دو تهران رسیدگی می‌شود:**
 جرایم عمومی افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر و یا دارای درجه سرتیپ دومی شاغل در محلهای سرلشکری و یا فرماندهی تیپ مستقل

***یادتان باشد:**

✓ رهایی از خدمت مانع رسیدگی به جرائم زمان اشتغال در دادگاه نظامی نمی‌شود.

✓ **به اتهامات نظامیانی که در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند چنانچه از جرائمی باشد که در صلاحیت سازمان قضائی نیروهای مسلح است، در دادرای و دادگاه نظامی تهران رسیدگی می‌شود.**

صلاحیت دادگاه صلح نسبت به دعاوی کیفری

1. جنبه عمومی و خصوصی کلیه جرائم غیر عمدی ناشی از کار
2. جنبه عمومی و خصوصی کلیه جرائم غیر عمدی ناشی از تصادفات رانندگی
3. جرائم عمدی تعزیری مستوجب مجازات درجه هفت
4. جرائم عمدی تعزیری مستوجب مجازات درجه هشت

به کلیه جرائم مذکور مستقیماً و بدون نیاز به کیفرخواست در دادگاه صلح رسیدگی می شود و دادگاه صلح با حضور رئیس یا دادرس علی البدل رسمیت می یابد.

آرای دادگاه صلح در امور کیفری قطعی است مگر:

1. در مورد جرائم غیر عمدی ناشی از کار یا تصادفات رانندگی نسبت به دیه یا ارش در صورتی که میزان یا جمع آنها بیش از یک دهم دیه کامل یا معادل آن باشد که قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه تجدیدنظر استان است.
2. جنبه عمومی جرائم غیر عمدی ناشی از کار یا تصادفات رانندگی در صورتی که مجازات قانونی آن درجه شش یا بیشتر باشد که قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه تجدیدنظر استان است.
3. جرائم عمدی تعزیری که مجازات قانونی آنها حبس درجه هفت باشد که قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه تجدیدنظر استان است.

استثنائات صلاحیت محلی:

الف) تعدد متهم

ماده ۳۱۱- شرکا و معاونان جرم در دادگاهی محاکمه می‌شوند که صلاحیت رسیدگی به اتهام متهم اصلی را دارد، مگر اینکه در قوانین خاص ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

۱- مشارکت دو یا چند نفر با مقامات ۳۰۷

۲- مشارکت دو یا چند نفر با مقامات ۳۰۸

۳- مشارکت مقامات ماده ۳۰۷ و ۳۰۸

۴- مشارکت یا معاونت اطفال و نوجوانان با بزرگسالان

ب) تعدد اتهام

- ۱- ارتکاب جرایم متعدد در دادگاه هایی با صلاحیت ذاتی یکسان با مجازات یکسان.
- ۲- ارتکاب جرایم متعدد در دادگاه هایی با صلاحیت ذاتی یکسان با مجازات یکسان.
- ۳- ارتکاب جرایم متعدد در دادگاه هایی با صلاحیت ذاتی متفاوت با مجازات یکسان.
- ۴- ارتکاب جرایم متعدد در دادگاه هایی با صلاحیت ذاتی متفاوت با مجازات متفاوت.
- ۵- ارتکاب جرائم مختلف برخی در صلاحیت کیفری دو و برخی در صلاحیت کیفری یک
- ۶- ارتکاب جرائم مختلف برخی در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان و برخی در صلاحیت کیفری یک

یک کارمند ساده با معاونت یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در مشهد مرتکب اختلاس با مجازات تعزیری درجه پنج می شود رسیدگی به جرم هر یک در صلاحیت کدام دادگاه است؟

(۱) به جرم کارمند در دادگاه محل وقوع جرم و به جرم نماینده مجلس در دادگاه مرکز استان محل وقوع جرم رسیدگی می شود.

(۲) به جرم کارمند و نماینده مجلس هر دو در دادگاه مرکز استان محل وقوع جرم رسیدگی می شود.

(۳) به جرم کارمند در دادگاه محل وقوع جرم و به جرم نماینده مجلس در دادگاه تهران رسیدگی می شود.

(۴) به جرم کارمند و نماینده مجلس در دادگاه تهران رسیدگی می شود.

ماده ۳۳۵ - جهات شروع به رسیدگی در دادگاه:

الف - کیفرخواست دادستان

ب - قرار جلب به دادرسی توسط دادگاه

پ - ادعای شفاهی دادستان در دادگاه

• محاکمات دادگاه علنی است مگر در موارد استثناء

محاکمات دادگاه علنی است، مگر **در جرایم قابل گذشت** که طرفین یا شاکی، غیرعلنی بودن محاکمه را درخواست کنند محاکمه غیر علنی خواهد بود. همچنین در موارد زیر دادگاه **پس از اظهار عقیده دادستان، قرار غیرعلنی بودن** محاکمه را صادر می‌کند و محاکمه غیرعلنی خواهد بود:

الف - امور خانوادگی و جرایمی که منافی عفت یا خلاف اخلاق حسنه است.

ب - علنی بودن، مخل امنیت عمومی یا احساسات مذهبی یا قومی باشد.

شروع به رسیدگی در دادگاه ها:

الف) پرونده بطور مستقیم در دادگاه مطرح شود

۱- چنانچه دادگاه خود را صالح نداند: قرار عدم صلاحیت

۲- چنانچه مورد از موارد منع یا موقوفی باشد: قرار منع یا موقوفی

۳- چنانچه اصحاب دعوا حاضر باشند یا تقاضای مهلت نکنند: تشکیل جلسه

رسمی و رسیدگی

۴- چنانچه اصحاب دعوا حاضر نباشند یا تقاضای مهلت کنند: تعیین وقت

رسیدگی

ب) پرونده با کیفرخواست در دادگاه مطرح شود

۱- بررسی پرونده بدون تعیین وقت رسیدگی حداکثر ظرف یکماه

۲- اگر تحقیقات را ناقص بداند: صدور دستور تکمیل تحقیقات

۳- در غیر موارد فوق با تعیین وقت رسیدگی و ابلاغ به طرفین آنها را برای

رسیدگی احضار میکند.

• ضمانت اجرای اخلاق در نظم دادگاه:

۱- اگر اخلاق کننده غیر اصحاب دعوا باشد: دستور **اخراج** کسانی را که باعث اخلاق در نظم دادگاه می‌شوند، صادر کند

۲- اگر اخلاق کننده از اصحاب دعوی باشد: که در این صورت رئیس دادگاه دستور **حبس او را از یک تا پنج روز** صادر می‌کند.

۳- اگر اخلاق کننده از وکلای اصحاب دعوی باشد: دادگاه به وی در خصوص رعایت نظم دادگاه **تذکر** می‌دهد و در صورت عدم تأثیر، وی را **اخراج** و به دادسرای انتظامی وکلا معرفی می‌کند.

رسیدگی در دادگاه کیفری یک

ماده ۳۸۲- دادگاه کیفری یک فقط در صورت صدور کیفرخواست و در حدود آن مبادرت به رسیدگی و صدور رأی می کند، مگر در جرایمی که مطابق قانون لزوماً به طور مستقیم در دادگاه کیفری یک مورد رسیدگی واقع می شود.

ماده ۳۸۳- در مواردی که **پرونده به طور مستقیم** در دادگاه کیفری یک رسیدگی می شود، **پس از پایان تحقیقات مقدماتی**، چنانچه عمل انتسابی جرم محسوب نشود یا ادله کافی برای انتساب جرم به متهم وجود نداشته باشد و یا به جهات قانونی دیگر متهم قابل تعقیب نباشد، دادگاه حسب مورد، قرار منع یا موقوفی تعقیب و **در غیر این صورت قرار رسیدگی** صادر می کند.

دادگاه به محض وصول گزارش از پرونده، **جلسه مقدماتی اداری** را تشکیل می دهد و با توجه به مفاد گزارش و اوراق پرونده و ایرادها و اعتراض های اصحاب دعوی به شرح زیر اقدام می کند:

الف- در صورتی که **تحقیقات ناقص** باشد، قرار رفع نقص صادر می کند و پرونده را نزد دادسرای صادرکننده کیفرخواست می فرستد تا پس از انجام دستور دادگاه، آن را بدون اظهار نظر اعاده کند.

ب- هرگاه موضوع، خارج از صلاحیت دادگاه باشد، **قرار عدم صلاحیت** صادر می کند. (قابل اعتراض توسط دادستان)

پ- در صورتی که به دلیل شمول مرور زمان، گذشت شاکی یا مدعی خصوصی و یا جهات قانونی دیگر، متهم قابل تعقیب نباشد، **قرار موقوفی تعقیب** صادر می کند. در این صورت چنانچه متهم زندانی باشد به دستور دادگاه، فوری آزاد می شود. (قابل اعتراض توسط دادستان و شاکی)

در هر مورد که دادگاه کیفری یک بخواهد رسیدگی غیابی کند، باید از قبل **قرار رسیدگی غیابی** صادر کند.

در این قرار، موضوع اتهام و وقت دادرسی و نتیجه **عدم حضور** قید می شود.

مراتب **دو نوبت به فاصله ده روز** در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار ملی یا محلی آگهی می شود. فاصله بین تاریخ **آخرین** آگهی و وقت دادرسی **نباید** کمتر از یک ماه باشد.

□ حداکثر تعداد وکیل:

- ۱- تعداد وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی
- ۲- تعداد وکیل در دادگاه کیفری دو و دادگاه بخش و دادگاه اطفال و دادگاه انقلاب با وحدت قاضی
- ۳- تعداد وکیل در دادگاه کیفری یک و دادگاه انقلاب با تعدد قاضی
- ۴- موارد الزامی داشتن وکیل در مرحله تحقیقات در دادسرا
- ۵- موارد الزامی داشتن وکیل در دادگاه
- ۶- ضمانت اجرای عدم تفهیم حق داشتن وکیل
- ۷- ضمانت اجرای سلب حق همراه داشتن وکیل
- ۸- موارد داشتن وکلای خاص مورد تایید رئیس قوه قضائیه
- ۹- تقاضای تغییر وکیل تسخیری
- ۱۰- عدم پذیرش استعفای وکیل تعیینی یا عزل وکیل پس از تشکیل جلسه رسیدگی

✓ تست

چنانچه یک نظامی مرتکب جرم تبانی علیه نظام با مجازات
۱ سال حبس شود در این صورت:

(۱) وکیل طرفین دعوی، باید از وکلای مورد تأیید سازمان قضائی
نیروهای مسلح باشد.

(۲) بازداشت موقت نسبت به مرتکب الزامی است

(۳) فقط وکیل متهم باید از وکلای مورد تأیید سازمان قضائی
نیروهای مسلح باشد.

(۴) مرتکب می تواند وکیل مورد نظر خود را انتخاب کند.

وکالت در دادسرا و دادگاه نظامی

ماده ۶۲۵ - در جرائم علیه امنیت کشور یا در مواردی که پرونده مشتمل بر اسناد و اطلاعات سری و به کلی سری است و رسیدگی به آنها در صلاحیت سازمان قضائی نیروهای مسلح است، طرفین دعوی، وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید سازمان قضائی نیروهای مسلح باشد، انتخاب می نمایند.

تبصره - تعیین وکیل در دادگاه نظامی زمان جنگ تابع مقررات مذکور در این ماده است.

ماده ۶۲۶ - وکلای دارای تابعیت خارجی نمی توانند برای دفاع در دادگاه نظامی حاضر شوند، مگر اینکه در تعهدات بین المللی به این موضوع تصریح شده باشد.

✓ **احاله پرونده از یک حوزه قضایی به حوزه قضایی دیگر
یک استان = به درخواست دادستان یا رئیس حوزه قضایی
مبدأ و موافقت شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان**

✓ **احاله پرونده از حوزه قضایی یک استان به استان = به
درخواست دادستان یا رئیس حوزه قضایی مبدأ و موافقت
دیوان عالی کشور صورت میگیرد.**

✓ **به منظور حفظ نظم و امنیت عمومی، بنا به پیشنهاد رئیس
قوه قضاییه یا دادستان کل کشور و تجویز دیوان عالی
کشور، رسیدگی به حوزه قضایی دیگر احاله می شود.**

مراحل رد دادرسی:

✓ رد دادرسی در دادگاه با وحدت قاضی:

۱. امتناع از رسیدگی

۲. رد ایراد

✓ رد دادرسی در دادسرا:

۱. امتناع از رسیدگی

۲. رد ایراد

✓ رد دادرسی در دادگاه با تعدد قاضی:

۱. امتناع از رسیدگی و تکمیل دادگاه با عضو دیگر

۲. رد ایراد و رسیدگی به ایراد در همان دادگاه یا دیوان عالی کشور

راه های شکایت از آراء

الف) راه های عادی شکایت

- ۱- واخواهی از احکام غیابی
- ۲- تجدیدنظرخواهی یا فرجام خواهی

ب) راه های فوق العاده شکایت

- ۱- اعاده دادرسی در دیوان عالی کشور
- ۲- اعاده دادرسی توسط رئیس قوه قضائیه

واخواهی

اعتراض به حکم غیابی را واخواهی گویند.

۱- موارد غیابی شدن حکم در دادگاه بدوی

۲- ملاک غیابی بودن رای

۳- موارد غیابی شدن حکم در دادگاه تجدیدنظر

۴- واخواهی در جرائم حق الهی محض

۵- مهلت واخواهی

تجدید نظر خواهی

شکایت از آرای دادگاه نخستین در مراجع بالاتر

مراجع تجدیدنظر:

الف- تجدید نظر در دادگاه تجدیدنظر استان:

- ۱- دادگاه کیفری ۲
- ۲- دادگاه عمومی بخش
- ۳- دادگاه انقلاب با وحدت قاضی
- ۴- دادگاه اطفال و نوجوانان
- ۵- دادگاه نظامی دو

ب) تجدیدنظر در دیوان عالی کشور:

- ۱- دادگاه کیفری ۱
- ۲- دادگاه انقلاب با تعدد قاضی
- ۳- دادگاه کیفری یک ویژه نوجوانان
- ۴- دادگاه نظامی یک

جهات تجديد نظر:

الف- ادعای عدم اعتبار ادله یا مدارک استنادی دادگاه

ب- ادعای مخالف بودن رأی با قانون

پ- ادعای عدم صلاحیت دادگاه صادرکننده رأی یا وجود یکی از
جهات رد دادرسی

ت- ادعای عدم توجه دادگاه به ادله ابرازی

رسیدگی در دادگاه تجدید نظر

الف- در صورتی که تحقیقات ناقص باشد، قرار رفع نقص صادر میکند و پرونده را نزد دادسرای صادر کننده کیفرخواست یا دادگاه صادر کننده رأی میفرستد تا پس از انجام دستور دادگاه تجدید نظر استان، آن را بدون اظهار نظر اعاده کند و یا دادگاه تجدیدنظر می تواند خود مبادرت به انجام تحقیقات نماید.

ب- هرگاه رأی صادره از نوع قرار باشد و تحقیقات یا اقدامات دیگر ضروری نباشد و قرار مطابق مقررات صادر شده باشد، آن را تأیید و پرونده به دادگاه صادر کننده قرار اعاده می شود و چنانچه به هر علت دادگاه تجدیدنظر عقیده به نقض داشته باشد، پرونده برای رسیدگی به دادگاه صادر کننده قرار اعاده میشود و آن دادگاه، مکلف است خارج از نوبت رسیدگی کند.

پ- هرگاه رأی توسط دادگاهی که **صلاحیت ذاتی یا محلی ندارد صادر شود، دادگاه تجدیدنظر استان، رأی را نقض و پرونده را به مرجع صالح ارسال و مراتب را به دادگاه صادر کننده رأی اعلام میکند.**

ت- اگر عملی که محکوم علیه به اتهام ارتکاب آن محکوم شده به فرض ثبوت، جرم نبوده یا به لحاظ شمول عفو عمومی و یا سایر جهات قانونی متهم قابل تعقیب نباشد، رأی مقتضی صادر میکند.

ث- در غیر از موارد مذکور در بندهای فوق، هرگاه جرم از جرائم مستوجب مجازات های حدود، قصاص و جرائم غیر عمدی مستوجب بیش از نصف دیه و یا جرائم تعزیری درجه چهار و پنج باشد به طور مطلق و در جرائم تعزیری درجه شش و هفت در صورت محکومیت به حبس و در سایر جرائم در صورت اقتضاء، دادگاه تجدیدنظر با صدور دستور تعیین وقت رسیدگی، طرفین و اشخاصی را که حضورشان ضروری است احضار می کند. طرفین می توانند شخصاً حاضر شوند یا وکیل معرفی کنند. در هر حال عدم حضور یا عدم معرفی وکیل مانع از رسیدگی نیست. (در این مورد دیگر الزامی به حضور نیست و به تشخیص قاضی دعوت می شوند).

اتخاذ تصمیم در دادگاه تجدید نظر پس از رسیدگی و اعلام ختم دادرسی

الف - هرگاه رأی مورد تجدیدنظرخواهی مطابق ادله موجود در پرونده و طبق قانون صادر شده باشد رأی را تأیید و پرونده را به دادگاه صادرکننده رأی اعاده میکند.

ب - هرگاه متهم به جهات قانونی قابل تعقیب نباشد یا دادگاه تجدیدنظر استان، به هر دلیل، برائت متهم را احراز کند، رأی تجدیدنظرخواسته را نقض و رأی مقتضی صادر میکند، هرچند محکوم - علیه درخواست تجدیدنظر نکرده باشد و چنانچه محکوم علیه زندانی باشد، به دستور دادگاه فوری آزاد میشود.

پ - چنانچه رأی تجدیدنظرخواسته را مخالف قانون تشخیص دهد با استدلال و ذکر مبانی و مستند قانونی، آن را نقض و در ماهیت، انشای رأی میکند.

تسلیم به رای شدن در محکومیت تعزیری

ماده ۴۴۲- در تمام محکومیت‌های تعزیری در صورتی که دادستان از حکم صادره درخواست تجدیدنظر نکرده باشد، محکوم‌علیه می‌تواند پیش از پایان مهلت تجدیدنظرخواهی با رجوع به دادگاه صادرکننده حکم، حق تجدیدنظرخواهی خود را اسقاط یا درخواست تجدیدنظر را مسترد نماید و تقاضای تخفیف مجازات کند. در این صورت، دادگاه در وقت فوق‌العاده با حضور دادستان به موضوع رسیدگی و تا یک چهارم مجازات تعیین شده را کسر می‌کند. این حکم دادگاه قطعی است.

شرایط تشدید رای در دادگاه تجدیدنظر

ماده ۴۵۸- دادگاه تجدیدنظر استان نمی‌تواند مجازات تعزیری یا اقدامات تأمینی و تربیتی مقرر در حکم تجدیدنظرخواسته را تشدید کند، مگر در مواردی که مجازات مقرر در حکم نخستین برخلاف جهات قانونی، کمتر از حداقل میزانی باشد که قانون مقرر داشته و این امر مورد تجدیدنظرخواهی شاکی و یا دادستان قرار گرفته باشد. در این موارد، دادگاه تجدیدنظر استان با تصحیح حکم، نسبت به تعیین حداقل مجازاتی که قانون مقرر داشته است، اقدام می‌کند.

تخفیف رای در دادگاه تجدیدنظر:

ماده ۴۵۹- هرگاه دادگاه تجدیدنظر استان، محکوم‌علیه را مستحق تخفیف مجازات بداند، ضمن تأیید اساس حکم می‌تواند به نحو مستدل مجازات او را در حدود قانون تخفیف دهد، هرچند محکوم‌علیه تقاضای تجدیدنظر نکرده باشد.

مهلت صدور حکم در دادگاه تجدیدنظر

ماده ۴۶۰- دادگاه تجدیدنظر استان مکلف است پس از ختم رسیدگی، در همان جلسه و در صورت عدم امکان در اولین فرصت و حداکثر ظرف یک هفته، انشای رأی کند. تخلف از صدور رأی در مهلت مقرر موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.

تست

تجدیدنظرخواهی یا فرجام خواهی طرفین راجع به جنبه کیفری نیاز به چه تشریفاتى دارد و درخواست یا دادخواست تجدیدنظر یا فرجام به کدام مرجع تسلیم می شود؟

(۱) با درخواست کتبی و پرداخت هزینه دادرسی / صرفاً به دفتر دادگاه صادرکننده رأی نخستین

(۲) با درخواست کتبی و بدون نیاز به پرداخت هزینه دادرسی / حسب مورد به دفتر دادگاه صادرکننده رأی نخستین یا تجدیدنظر

(۳) با درخواست کتبی یا شفاهی و پرداخت هزینه دادرسی / صرفاً به دفتر دادگاه صادرکننده رأی نخستین

(۴) با درخواست کتبی و پرداخت هزینه دادرسی / به دفتر دادگاه صادرکننده رأی نخستین یا تجدیدنظر و یا دفتر زندان

پاسخ:

ماده ۴۳۶ - تجدیدنظرخواهی یا فرجام خواهی طرفین راجع به جنبه کیفری رأی با درخواست کتبی و پرداخت هزینه دادرسی مقرر صورت می گیرد و نسبت به ضرر و زیان ناشی از جرم، مستلزم تقدیم دادخواست و پرداخت هزینه دادرسی مطابق قانون آیین دادرسی مدنی است.

تبصره - تجدیدنظرخواهی یا فرجام خواهی محکوم علیه نسبت به محکومیت کیفری و ضرر و زیان ناشی از جرم به صورت توأمان، مستلزم پرداخت هزینه دادرسی در امر حقوقی و رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی نیست.

ماده ۴۳۹ - تجدیدنظرخواه یا فرجام خواه باید حسب مورد، درخواست یا دادخواست خود را به دفتر دادگاه صادرکننده رأی نخستین یا تجدیدنظر و یا دفتر زندان تسلیم کند. دفتر دادگاه یا زندان باید بلافاصله آن را ثبت کند و رسیدی مشتمل بر نام تجدیدنظرخواه یا فرجام خواه و طرف دعوای او، تاریخ تسلیم و شماره ثبت به تقدیم کننده بدهد و همان شماره و تاریخ را در دادخواست یا درخواست تجدیدنظر و فرجام درج کند. تاریخ مزبور تاریخ تجدیدنظر یا فرجام خواهی محسوب می شود. دفتر دادگاه تجدیدنظر استان یا زندان مکلف است پس از ثبت تقاضای تجدیدنظر یا فرجام، بلافاصله آن را به دادگاه صادرکننده رأی نخستین ارسال کند.

تست

به جرایمی که موجب جریحه دار شدن احساسات عمومی شود در چه صورت در دادگاه تجدیدنظر خارج از نوبت رسیدگی می شود؟

(۱) به تشخیص دادگاه صادرکننده رای نخستین

(۲) با درخواست دادستان صادرکننده کیفرخواست و موافقت دادگاه تجدیدنظر استان

(۳) به تشخیص رئیس شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان

(۴) به درخواست دادگاه تجدیدنظر استان و موافقت رئیس قوه قضائیه

پاسخ

ماده ۴۴۹ - دادگاه به ترتیب وصول پرونده‌ها به نوبت رسیدگی می‌کند، مگر در مواردی که به موجب قانون، رسیدگی خارج از نوبت ضروری باشد.

تبصره - به جرایمی که موجب جریمه دار شدن احساسات عمومی شود، با درخواست دادستان صادرکننده کیفرخواست و موافقت دادگاه تجدیدنظر استان، خارج از نوبت رسیدگی می‌شود.

تست

آرای دادگاه نظامی زمان جنگ ظرف چه مدت قابل اعتراض است و مهلت صدور رای از مرجع تجدیدنظر چقدر است؟

(۱) ظرف ده روز از زمان ابلاغ، قابل تجدیدنظر یا فرجام‌خواهی است و باید حداکثر ظرف هفتاد و دو ساعت پس از وصول پرونده، رسیدگی و رأی مقتضی را صادر نماید.

(۲) ظرف یک هفته از زمان ابلاغ، قابل تجدیدنظر یا فرجام‌خواهی است و دادگاه تجدیدنظر یا دیوان‌عالی‌کشور باید حداکثر ظرف دو روز پس از وصول پرونده، رسیدگی و رأی مقتضی را صادر نماید

(۳) ظرف بیست روز از زمان ابلاغ، قابل تجدیدنظر یا فرجام‌خواهی است و باید حداکثر ظرف هفت روز ساعت پس از وصول پرونده، رسیدگی و رأی مقتضی را صادر نماید.

(۴) ظرف هفتاد و دو ساعت از زمان ابلاغ، قابل تجدیدنظر یا فرجام‌خواهی است و دادگاه تجدیدنظر یا دیوان‌عالی‌کشور باید حداکثر ظرف هفت روز پس از وصول پرونده، رسیدگی و رأی مقتضی را صادر نماید.

پاسخ:

آراء قابل تجدیدنظر یا فرجام‌خواهی دادگاه‌های
نظامی زمان جنگ، **ظرف هفتاد و دو ساعت از زمان ابلاغ**،
قابل تجدیدنظر یا فرجام‌خواهی است و دادگاه تجدیدنظر
یا دیوان عالی کشور باید **حداکثر ظرف هفت روز** پس از
وصول پرونده، رسیدگی و رأی مقتضی را صادر نماید، مگر
آنکه صدور رأی در مدت مزبور به دلایل قانونی از قبیل
نقص تحقیقات مقدور نباشد که در این صورت باید علت
تأخیر به‌طور مستدل در پرونده قید شود.

جهات فرجام خواهی در دیوان عالی کشور

الف – ادعای عدم رعایت قوانین مربوط به تقصیر متهم و مجازات قانونی او

ب - ادعای عدم رعایت اصول دادرسی با درجه‌ای از اهمیت منجر به بی‌اعتباری رأی دادگاه

پ – عدم انطباق مستندات با مدارک موجود در پرونده

رسیدگی در دیوان عالی کشور

- ۱- اگر عملی که محکوم علیه به اتهام ارتکاب آن محکوم شده به فرض ثبوت، جرم نبوده یا به لحاظ شمول عفو عمومی و یا سایر جهات قانونی متهم قابل تعقیب نباشد، رأی صادره نقض بلا ارجاع میشود.
- ۲- اگر رأی صادره از نوع قرار و یا حکمی باشد که به علت ناقص بودن تحقیقات نقض شده است، برای رسیدگی مجدد به دادگاه صادرکننده رأی ارجاع میشود.
- ۳- اگر رأی به علت عدم صلاحیت ذاتی دادگاه نقض شود، پرونده به مرجعی که دیوان عالی کشور، صالح تشخیص میدهد، ارسال میشود و مرجع مذکور مکلف به رسیدگی است.
- ۴- در سایر موارد، پس از نقض رأی، پرونده به دادگاه هم-عرض ارجاع میشود.

اقدامات مرجع رسیدگی کننده پس از نقض رأی در دیوان عالی کشور

الف- در صورت نقض رأی به علت ناقص بودن تحقیقات، باید تحقیقات موردنظر دیوان عالی کشور را انجام دهد و سپس مبادرت به صدور رأی کند.

ب - در صورت نقض قرار و ضرورت رسیدگی ماهوی، باید از نظر دیوان عالی کشور متابعت نماید و در ماهیت، رسیدگی و انشای حکم کند، مگر آنکه پس از نقض، جهت تازه-ای برای صدور قرار حادث شود.

پ - در صورت نقض حکم در غیر موارد مذکور، دادگاه میتواند بر مفاد رأی دادگاه قبلی اصرار کند. چنانچه این حکم مورد فرجام خواهی واقع شود و شعبه دیوان عالی کشور پس از بررسی، استدلال دادگاه را بپذیرد، حکم را ابرام میکند و در غیر اینصورت، پرونده در هیأت عمومی شعب کیفری مطرح می-شود. هرگاه نظر دادگاه صادرکننده رأی مورد تأیید قرار گیرد، رأی ابرام میشود و در صورتی که نظر شعبه دیوان عالی کشور را تأیید کند، حکم صادره نقض و پرونده به شعبه دیگر دادگاه ارجاع میشود. دادگاه مزبور بر اساس استدلال هیأت عمومی دیوان عالی کشور، حکم صادر می کند. این حکم قطعی و غیرقابل فرجام است.

اعاده دادرسی

یعنی اعتراض در مورد احکام محکومیت قطعی دادگاه‌ها اعم از آنکه حکم مذکور به اجراء گذاشته شده یا نشده باشد.

موارد اعاده دادرسی:

- الف - کسی به اتهام قتل شخصی محکوم شود و سپس زنده بودن وی محرز گردد.
- ب - چند نفر به اتهام ارتکاب جرمی محکوم شوند و ارتکاب آن جرم به گونه‌ای باشد که نتوان بیش از یک مرتکب برای آن قائل شد.
- پ - شخصی به علت انتساب جرمی محکوم شود و فرد دیگری نیز به موجب حکمی از مرجع قضایی به علت انتساب همان جرم محکوم شده باشد، به طوری که از تعارض و تضاد مفاد دو حکم، بیگناهی یکی از آنان احراز گردد.
- ت - درباره شخصی به اتهام واحد، احکام متفاوتی صادر شود.
- ث - در دادگاه صالح ثابت شود که اسناد جعلی یا شهادت خلاف واقع گواهان، مبنای حکم بوده است.
- ج - پس از صدور حکم قطعی، واقعه جدیدی حادث و یا ظاهر یا ادله جدیدی ارائه شود که موجب اثبات بیگناهی محکوم علیه یا عدم تقصیر وی باشد.
- چ - عمل ارتكابی جرم نباشد و یا مجازات مورد حکم بیش از مجازات مقرر قانونی باشد.

انواع اعاده دادرسی:

۱- اعاده دادرسی در دیوان عالی کشور = درخواست اعاده دادرسی به دیوان عالی کشور تسلیم می‌شود. این مرجع پس از احراز انطباق موضوع درخواست با یکی از موارد موضوع ماده (۴۷۴) این قانون، با تجویز اعاده دادرسی، رسیدگی مجدد را به دادگاه هم عرض دادگاه صادرکننده حکم قطعی، ارجاع می‌دهد و در غیر این صورت قرار رد اعاده دادرسی صادر مینماید.

۲- اعاده دادرسی توسط رئیس قوه قضاییه = در صورتی که رئیس قوه قضاییه رأی قطعی صادره از هریک از مراجع قضایی (آراء قطعی مراجع قضایی (اعم از حقوقی و کیفری) شامل احکام و قرارهای دیوان عالی کشور، سازمان قضایی نیروهای مسلح، دادگاههای تجدیدنظر و بدوی، دادسراها و شوراهای حل اختلاف می‌باشند) را خلاف شرع بین تشخیص دهد، با تجویز اعاده دادرسی، پرونده را به دیوان عالی کشور ارسال تا در شعبی خاص که توسط رئیس قوه قضاییه برای این امر تخصیص می‌یابد رسیدگی و رأی قطعی صادر نماید. شعب خاص مذکور مبنیاً بر خلاف شرع بین اعلام شده، رأی قطعی قبلی را نقض و رسیدگی مجدد اعم از شکلی و ماهوی به عمل می‌آورند و رأی مقتضی صادر می‌نمایند.

ماده ۴۷۸ - هرگاه رأی دیوان عالی کشور مبنی بر تجویز اعاده دادرسی باشد یا طبق ماده (۴۷۷) اعاده دادرسی پذیرفته شده باشد اجرای حکم تا صدور حکم مجدد به تعویق می افتد و چنانچه از متهم تأمین اخذ نشده و یا تأمین منتفی شده باشد یا متناسب نباشد، دادگاهی که پس از تجویز اعاده دادرسی به موضوع رسیدگی می کند، تأمین لازم را اخذ می نماید.

تبصره - در صورتی که مجازات مندرج در حکم، از نوع مجازات سالب حیات یا سایر مجازات های بدنی یا قلع و قمع بنا باشد، شعبه دیوان عالی کشور با وصول تقاضای اعاده دادرسی قبل از اتخاذ تصمیم درباره تقاضا، دستور توقف اجرای حکم را می دهد. (تبصره با توجه به رای وحدت رویه ۷۴۲ منسوخ می باشد).

در مورد توقف اجرای حکم راجع به احکامی که مجازات آنها از نوع مجازات سالب حیات یا سایر مجازات های بدنی یا قلع و قمع بنا باشد، در رای وحدت رویه ۷۴۲

رویکرد قانون تغییر کرد و توقف اجرای حکم را در این موارد منوط به این دانسته است که ابتدا درخواست مورد بررسی و ملاحظه قرار گیرد و چنانچه نظر اعضای شعبه بر رد درخواست باشد صدور دستور توقف اجرای حکم امر بی فایده و لغوی است.

چنانچه جهت اعاده دادرسی مغایرت دو حکم باشد، کدام مورد صحیح است؟

- (۱) دادگاه پس از قبول اعاده دادرسی، هر یک را که صحیح تشخیص دهد، تأیید و رأی دیگر را نقض میکند.
- (۲) دادگاه پس از قبول اعاده دادرسی، رأی اول را نقض و رأی دوم را صحیح اعلام می کند.
- (۳) دادگاه پس از قبول اعاده دادرسی، رأی دوم را نقض و رأی اول را صحیح اعلام می کند.
- (۴) دادگاه پس از قبول اعاده دادرسی، در هر حال هر دو رأی را نقض و رأی مقتضی صادر می کند.

چنانچه مغایرت دو حکم موجب اعاده دادرسی باشد:

۱- اگر یکی از دو حکم مغایر، صحیح و دیگری غیر صحیح باشد: دادگاه پس از قبول اعاده دادرسی، هر یک را که صحیح تشخیص دهد، تأیید و رأی دیگر را نقض میکند.

۲- اگر هر دو رأی غیر صحیح باشد: پس از نقض آنها وفق مقررات رسیدگی می کند.

نکات اجرای احکام:

*** اجرای احکام کیفری بر عهده دادستان است و «معاونت اجرای احکام کیفری» تحت ریاست و نظارت وی در مناطقی که رئیس قوه قضاییه تشخیص میدهد، در دادرسی عهده‌دار این وظیفه است.**
در حوزه قضایی بخش، اجرای احکام کیفری به عهده رئیس دادگاه و در غیاب وی با دادرسی علی‌البدل است.

*** قاضی اجرای احکام کیفری باید حداقل سه سال سابقه خدمت قضایی داشته باشد.**
*** اجرای علنی مجازات ممنوع است، مگر در موارد الزام قانونی یا در صورتیکه به لحاظ آثار و تبعات اجتماعی بزه ارتكابی، نحوه ارتكاب جرم و سوابق مرتكب و بیم تجری او یا دیگران، دادگاه خود یا به پیشنهاد دادستان اجرای علنی مجازات را ضروری تشخیص دهد و اجرای علنی مجازات را در رأی تصریح کند.**

□ **آراء کیفری در موارد زیر پس از ابلاغ به موقع اجراء گذاشته می‌شود:**

- الف- رأی قطعی که دادگاه نخستین صادر می‌کند.
- ب- رأیی که در مهلت قانونی نسبت به آن واخواهی یا درخواست تجدیدنظر یا فرجام نشده باشد یا درخواست تجدیدنظر یا فرجام آن رد شده باشد.
- پ- رأیی که مرجع تجدیدنظر آن را تأیید یا پس از نقض رأی نخستین صادر کرده باشد.
- ت- رأیی که به تأیید مرجع فرجام رسیده باشد.

رفع ابهام و اجمال از رای

ماده ۴۹۷- رفع ابهام و اجمال از رأی با دادگاه صادرکننده رأی قطعی است، اما رفع اشکالات مربوط به اجرای رأی با رعایت موازین شرعی و قانونی، با قاضی اجرای احکام کیفری است که رأی زیر نظر او اجراء می‌شود.

نحوه اجرای رای

ماده ۴۹۸- هرگاه شیوه اجرای رأی در دادنامه تعیین گردد، به همان ترتیب اجراء می‌شود و در صورت عدم تعیین شیوه اجراء، قاضی اجرای احکام کیفری مطابق مقررات قانونی، رأی را اجراء می‌کند.

موارد تعویق اجرای مجازات:

- ۱- دوران بارداری
- ۲- پس از زایمان حداکثر تا شش ماه
- ۳- دوران شیردهی حداکثر تا رسیدن طفل به سن دو سالگی
- ۴- اجرای مجازات شلاق در ایام حیض یا استحاضه
- ۵- هرگاه محکوم علیه به بیماری جسمی یا روانی مبتلا باشد و اجرای مجازات موجب تشدید بیماری و یا تأخیر در بهبودی وی شود.

اثر جنون در اجرای حکم

ماده ۵۰۲- هرگاه محکوم علیه به بیماری جسمی یا روانی مبتلا باشد و اجرای مجازات موجب تشدید بیماری و یا تأخیر در بهبودی وی شود، قاضی اجرای احکام کیفری با کسب نظر پزشکی قانونی تا زمان بهبودی، اجرای مجازات را به تعویق می‌اندازد. چنانچه در جرایم تعزیری امیدی به بهبودی بیمار نباشد، قاضی اجرای احکام کیفری، پس از احراز بیماری محکوم علیه و مانع بودن آن برای اعمال مجازات، با ذکر دلیل، پرونده را برای تبدیل به مجازات مناسب دیگر با در نظر گرفتن نوع بیماری و مجازات به مرجع صادرکننده رأی قطعی ارسال می‌کند.

تبصره - هرگاه حین اجرای مجازات، بیماری حادث شود و تعویق اجرای مجازات فوریت داشته باشد، قاضی اجرای احکام کیفری، ضمن صدور دستور توقف اجرای آن، طبق مقررات این ماده اقدام می‌کند.

ماده ۵۰۳- هرگاه محکوم علیه در جرایم تعزیری، پس از صدور حکم قطعی، مبتلا به جنون شود، تا زمان افاقه، اجرای حکم به تعویق می‌افتد؛ مگر در مورد مجازات‌های مالی که از اموال محکوم علیه وصول می‌شود.

صدور رای در خصوص تعدد جرم

ماده ۵۱۰- هرگاه پس از صدور حکم معلوم شود محکوم علیه دارای محکومیت‌های قطعی دیگری است و اعمال مقررات تعدد، در میزان مجازات قابل اجراء مؤثر است، قاضی اجرای احکام کیفری به شرح زیر اقدام می‌کند:

الف- اگر احکام به‌طور قطعی صادر یا به لحاظ عدم تجدیدنظر خواهی قطعی شده باشند، در صورت تساوی دادگاه‌ها پرونده‌ها را به دادگاه صادرکننده آخرین حکم و در غیر این صورت به دادگاه دارای صلاحیت بالاتر ارسال می‌کند، تا پس از نقض تمام احکام، با رعایت مقررات مربوط به تعدد جرم، حکم واحد صادر شود.

ب- اگر حداقل یکی از احکام در دادگاه تجدیدنظر استان صادر شده باشد، پرونده‌ها را به این دادگاه ارسال می‌کند تا پس از نقض تمام احکام با رعایت مقررات مربوط به تعدد جرم، حکم واحد صادر شود. چنانچه احکام از شعب مختلف دادگاه تجدیدنظر استان صادر شده باشد، شعبه صادرکننده آخرین حکم تجدیدنظر خواسته صلاحیت رسیدگی دارد.

پ- در سایر موارد و همچنین در صورتی که حداقل یکی از احکام در دیوان عالی کشور مورد تأیید قرار گرفته باشد یا احکام متعدد در حوزه‌های قضایی استان‌های مختلف یا در دادگاه‌های با صلاحیت ذاتی متفاوت صادر شده باشد، پرونده‌ها را به دیوان عالی کشور ارسال می‌کند تا پس از نقض احکام، حسب مورد، مطابق بندهای (الف) یا (ب) اقدام شود.

تبصره - در موارد فوق، دادگاه در وقت فوق‌العاده بدون حضور طرفین به موضوع، رسیدگی و بدون ورود در شرایط و ماهیت محکومیت با رعایت مقررات تعدد جرم، حکم واحد صادر می‌کند.

محل تحمل حبس

در صورتی که محل اقامت محکوم به حبس، خارج از حوزه دادگاه صادرکننده حکم باشد، نامبرده برای تحمل ادامه حبس به زندان محل اقامت خود منتقل می‌شود؛ مگر اینکه این امر موجب مفسده باشد که در این صورت با تشخیص قاضی صادرکننده رأی قطعی به نزدیک‌ترین زندان به محل اقامت خود منتقل می‌شود. هزینه انتقال از محل اعتبارات قوه قضاییه پرداخت می‌شود.

تست:

محل تحمل حبس برای محکومان نظامی که حکم محکومیتشان موجب اخراج آنها از خدمت شده و محل تحمل حبس برای محکومان غیر نظامی که در دادگاه نظامی محاکمه شده‌اند به ترتیب:

- (۱) زندان عمومی - زندان نظامی
- (۲) زندان نظامی - زندان عمومی
- (۳) زندان نظامی - زندان نظامی
- (۴) زندان عمومی - زندان عمومی

زندان ها و بازداشتگاههای نظامی

ماده ۶۴۳ - متهمان و محکومان دادسرا و دادگاههای نظامی با رعایت مقررات اجرائی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور در بازداشتگاههای رسمی و زندانهای مستقل از سایر متهمان و زندانیان نگهداری می‌شوند. نگهداری محکومان و متهمان در یک مکان ممنوع است.

ماده ۶۴۴ - در صورت تقاضای متهمان و محکومان نظامی سایر مراجع قضائی و موافقت دادستان مربوط و دادستان نظامی استان، این افراد مدت بازداشت یا محکومیت حبس خود را در بازداشتگاهها و زندانهای نظامی سپری می‌نمایند

تبصره - محکومان غیرنظامی دادگاههای نظامی و محکومان نظامی که محکومیت آنان منجر به اخراج می‌شود، با رعایت مقررات فوق جهت تحمل محکومیت حبس به زندان های عمومی معرفی می‌شوند.

□ چگونگی محاسبه ایام بازداشت قبلی افراد غیر نظامی:

هر روز بازداشت معادل یک روز حبس
هر روز بازداشت معادل سه ضربه شلاق
هر روز بازداشت معادل سیصد هزار ریال جزای نقدی
هر روز بازداشت معادل یک روز جزای نقدی روزانه
هر روز بازداشت معادل هشت ساعت خدمات عمومی
هر روز بازداشت معادل پنج روز از دوره مراقبت

□ محاسبه ایام بازداشت قبلی نظامیان

الف - کسر سه روز از مدت اضافه خدمت به ازای هر روز بازداشت قبلی
ب - کسر چهار روز از مدت انفصال موقت از خدمت به ازای هر روز بازداشت قبلی
پ - کسر پنج روز از مدت محرومیت از ترفیع به ازای هر روز بازداشت قبلی

□ مدت مرخصی محکومین به حبس:

محکومان می‌توانند پس از سپردن تأمین مناسب، ماهانه **حداکثر سه روز** از مرخصی برخوردار شوند.

در موارد بیماری حاد یا فوت بستگان نسبی و سببی درجه یک از طبقه اول یا همسر و یا ازدواج فرزندان، زندانی می‌تواند به تشخیص دادستان **حداکثر تا پنج روز** از مرخصی استفاده نماید.

در موارد بیماری حاد یا فوت بستگان نسبی و سببی درجه یک از طبقه اول یا همسر و یا ازدواج فرزندان، زندانی می‌تواند در صورت عجز از فراهم نمودن تأمین، اعزام محکوم تحت مراقبت مأموران، **یک روز در ماه و به مدت ده ساعت** بلامانع است.

در مواردی که زندانی دارای شاکی خصوصی است و بنا به تشخیص دادستان یا قاضی اجرای احکام، اعطای مرخصی میتواند در جلب رضایت شاکی مؤثر باشد، زندانی میتواند علاوه بر مرخصی مذکور پس از سپردن تأمین مناسب، در طول مدت حبس یک نوبت دیگر و **حداکثر به مدت هفت روز** از مرخصی استفاده نماید. در صورتی که محکوم بتواند بخشی از خسارت شاکی را پرداخت یا رضایت او را جلب کند، این

مرخصی فقط برای یکبار دیگر به مدت هفت روز تمدید می‌شود.

محکومانی که به موجب قانون **مشمول مقررات تعلیق اجرای مجازات نمی‌شوند**، پس از تحمل یک سوم از میزان مجازات با رعایت شرایط مندرج در صدر ماده و به تشخیص دادستان می‌توانند در **هر چهار ماه حداکثر پنج روز** از مرخصی برخوردار شوند.

رئیس قوه قضاییه می‌تواند **به مناسبت‌های ملی و مذهبی** علاوه بر سقف تعیین شده در این قانون، **حداکثر دو بار در سال** به زندانیان واجد شرایط، مرخصی اعطاء کند.

• مواردی که شخص باید به موجب مقررات شرعی **به طور دائم در زندان باشد** از شمول مقررات مرخصی خارج است

لغو یا کاهش مدت تعلیق اجرای مجازات

ماده ۵۵۱- در صورت تعلیق اجرای مجازات، قاضی اجرای احکام کیفری، محکوم علیه را احضار و در صورت عدم حضور بدون عذر موجه، جلب می کند و با حضور محکوم علیه، دستور یا دستورهای دادگاه، چگونگی اجراء و ضمانت عدم رعایت آنها را به وی تفهیم و ابلاغ می نماید.

ماده ۵۵۲- هرگاه محکوم علیه پس از سپری شدن حداقل شش ماه از مدت تعلیق اجرای مجازات، به طور مستمر حسن اخلاق و رفتار نشان دهد، قاضی اجرای احکام کیفری، مراتب را با پیشنهاد کاهش مدت تعلیق یا لغو تمام یا برخی از دستورهای تعیین شده به دادگاه صادرکننده حکم اعلام می کند. دادگاه در وقت فوق العاده در مورد پیشنهاد قاضی اجرای احکام کیفری تصمیم می گیرد.

تبصره- در صورت عدم پذیرش پیشنهاد از سوی دادگاه، قاضی اجرای احکام کیفری می تواند هر دو ماه یک بار مجدداً اجرای این ماده را به دادگاه پیشنهاد نماید.